



انترناسیونال

۲۵۵

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۱۱ مرداد ۱۳۷۸، ۱ آگوست ۲۰۰۸

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سرمدیبر: محسن ابراهیمی

طرح اقتصادی احمدی نژاد و بن بست سرمایه در ایران! چهار سؤال از حمید تقوایی



انترناسیونال: احمدی نژاد طرحی به نام "طرح تحول اقتصادی" اعلام کرده است و رسانه های رژیم با بوق و کرنا آنرا تبلیغ میکنند که گویا قرار است اقتصاد ایران را نجات دهد و وضع اقتصادی مردم را بهبود بخشد؟ میگویند این یک جراحی اقتصادی است که قرار است اقتصاد نابسامان ایران در ۵۰ سال گذشته را سر و سامان دهد و ایران را به رده کشورهای پیشرفته برساند. موضوع چیست؟

برداشتن هر نوع مانع و محدودیت حقوقی و قانونی و گمرکی و مالیاتی بر سر کارکرد سرمایه، که "درگوله" کردن اقتصاد نامیده میشود، سپردن همه بخشهای تولیدی و خدماتی به سرمایه های خصوصی، سلب مسئولیت کامل از دولت در قبال جامعه، قطع کردن خدمات عمومی، بخشودگی مالیاتی برای سرمایه داران، قطع کامل سوبسیدها، سپردن قیمتتها و دستمزدها به مکانیسم بازار آزاد، و در یک کلام افسار گسیختگی بیقید و شرط سرمایه دارها در توی شیشه کردن خون مردم! تاجریم و ریگانیم (آنچه ریگانومیکس نامیده میشود) طلایه داران این نوع اقتصاد بودند. پینوشه با همین نوع اقتصادیات شیلی را "بازسازی" کرد و در آرژانتین و بولیوی و برزیل و اورگوئه و بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین ماموریت اقتصادی خونتاهای نظامی مورد حمایت آمریکا چیزی جز پیاده کردن همین نسخه ریاضت کشی اقتصادی نبود. بعد از سقوط شوروی این نسخه تحمیل فقر و بیحقوقی به مردم دنیا تحت لوای اجزا این سیاست عبارتست از:

حمید تقوایی: فکر نمیکنم این تبلیغات احمقانه را حتی خود دار و دسته احمدی نژاد باور داشته باشد. این هیاهوی مستاصلانه ای است برای آنکه اذهان عمومی را نسبت به مضمون آشکارا ارتجاعی و ضد انسانی این طرح مخدوش کنند. اسم دیگر این "جراحی اقتصادی" ریاضت کشی اقتصادی است که مدتهاست، از زمان تاجر و ریگان، بوسیله بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، یعنی ستادهای اقتصادی چپاول دنیا بوسیله عظیم ترین سرمایه های مالی جهان، به همه کشورها دیکته میشود. و سردمدارن فکری آن هم میلیون فریدمن اقتصاد دان فوق ارتجاعی آمریکائی و مکتب فکری موسوم به مکتب شیکاگو است که دست پروردگانش نظیر رامسفیلد و دیک چینی و نتو کنسرواتیسهای دو آتشه ای از این قماش، هیات حاکمه آمریکا را تشکیل میدهند.

"خون بس" یک واقعه مهم علیه اعدام گفتگو با مینا احدی



مینا احدی

در مقابل چشم دیگر بس است. در این مراسم خانواده مقتول اعلام کردند که خواهان اعدام سعید

نکته جالب در مورد رهایی سعید یک اقدام بسیار جالب مردم در روستای محل زندگی مقتول است. مردم در این روستا با تشکیل یک مجمع عمومی و با اعلام اینکه مراسم

صفحه ۴

در پاسخ به طرح "جراحی اقتصادی" احمدی نژاد راه حل مردم جراحی کل حکومت اسلامی است!

اوایل روی کار آمدن همین رئیس جمهور، آمدند و رفتند و بجای نرسیدند و حالا قرار است با "جراحی اقتصادی" این گره کور را باز کنند. اما این طرح نیز سرنوشت بهتری از

به چنین تلاشهایی دست میزنند. پروژه هائی نظیر طرح "بازسازی اقتصادی" و "مدل چینی" و "تولید برای صدور" در دوره رفسنجانی و طرح مقابله با آقازاده ها و شعار "بردن پول نفت بر سر سفره مردم" در

صفحه ۵



گزارشاتی از اعتراض جهانی علیه اعدام های جمهوری اسلامی ایران

صفحه ۱۱

اعتراض جهانی علیه اعدام های اخیر حکم اعدام فرزند کمانگر باید لغو شود!

صفحه ۱۱

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ ۴ سؤال از حمید تقوایی

"پیروزی سرمایه داری بازار آزاد" و بعنوان مضمون اقتصادی "نظم نوین جهانی" بر سراسر دنیا سلطه بلامنازعی پیدا کرد. شوروی يك نظام سوسیالیستی نبود اما مهر انقلاب اکتبر و نام سوسیالیسم را با خود داشت و همین عامل به کارگران و توده مردم در غرب و در کشورهای جهان سوم امکان داده بود تا عقب نشینی هائی را به سرمایه داری هار بازار آزاد تحمیل کنند. بسیاری از رفرمهای اجتماعی و اقتصادی در خود کشورهای صنعتی

غرب (گسترش خدمات عمومی، بهداشت و آموزش رایگان، بیمه های اجتماعی، روی کار آمدن دولت رفاه در کشورهای اروپائی و غیره)، و تحولات انقلابی و پیاده کردن مدلهای رشد و توسعه صنعتی در کشورهای موسوم به جهان سوم بعد از انقلاب اکتبر و تحت تاثیر مستقیم و یا غیر مستقیم آن صورت گرفت. کارگران و مردم دنیا با الهام از انقلاب اکتبر برای یک زندگی بهتر مبارزه میکردند و بورژوازی جهان در ترس از تکرار این انقلاب ناگزیر به تمکین بود. با فروپاشی شوروی این الهام و اجبار موضوعیت خود را از دست داد. بسیاری از دستاوردهای مردم بعد از پایان جنگ سرد پس گرفته شد و بازار آزاد و تقدس سود و سودآوری بیقید و شرط سرمایه بعنوان تنها مدل اقتصادی ممکن سلطه بلامنازح خود را بر دنیا اعلام کرد. نتیجه را امروز در همه کشورها میتوان مشاهده کرد: تلنار شدن کوه عظیم ثروت در دست یک اقلیت ناچیز سرمایه دار به قیمت خانه

خرابی توده های عظیم مردم! سود آورهای نجومی و مالتی میلیاردر دلاری تعداد هر چه کمتری از کمپانیها از یکسو و فقر و گرانی و بیکاری و بیحقوقی و محرومیت بیشتر برای بخش هر چه وسیعتری از توده مردم دنیا در غرب و در شرق، بیلان کار سرمایه داری بازار آزاد است. امروز کار بجائی رسیده است که معماران این فلاکت جهانی یعنی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی اعلام میکنند در بیش از سی کشور جهان، و از جمله ایران، "خطر" شورش گرسنگان حکومتها را تهدید میکند.

در يك كلام مدل ریاضت کشی اقتصادی، که حکومت آیت الله های

میلیاردر آنها جراحی اقتصادی مینامد، به بهبود وضع مردم و بالا بردن رفاه جامعه و یا آنطور که آخوندها با خر مرد رندی ابلهانه خاص خود میخواهند به مردم بقبولانند، "کمک به دهه های پائینی"، هیچ ربطی ندارد. بر عکس این طرحی برای تضمین و تامین سود آوری نجومی برای سرمایه ها و مالتی میلیاردر شدن اقلیتی در بالاترین دهک جامعه به قیمت خانه خرابی اکثریت عظیم مردم است.

نگاهداشتن دستمزدها و عدم تامین شغلی و بیکارسازیها و خصوصی سازیها و سرکوب تشکلهای کارگری و غیره - مدتها است از اجزای سیاست جمهوری اسلامی است. قرار است قطع سوبسیدها یعنی سپردن قیمتها به بازار آزاد این سیکل فقر و محرومیت را کامل کند. حاصل این طرح اگر در ایران پیاده شود مثل همه جای دنیا محرومیت و بیحقوقی و خانه خرابی بیش از پیش برای کارگران و توده مردم و سودهای نجومی برای صاحبان سرمایه خواهد بود.

انترناسیونال: آیا رژیم قادر به پیاده کردن این طرح هست؟ و اگر به هر اندازه ای که این طرح پیاده شود جمهوری اسلامی به يك حکومت متعارف سرمایه داری نزدیک نخواهد شد؟

حمید تقوایی: بله میتوانند این طرح را پیاده کنند اما تنها به شرط آنکه کارگران و توده مردم را سرکوب کنند و به تمکین وادارند. سرکوب خونین مردم شرط سیاسی پیاده کردن طرح ریاضت کشی اقتصادی در همه جوامع جهان سومی بوده است. در جوامع غربی ماقبل ریگانسیم و تاجریسم بدلیلی که بالاتر به آن اشاره کردم کارگران و مردم معترض توانسته بودند حداقلی از رفاه عمومی - بیمه و بهداشت و خدمات شهری و تامین شغلی ونوعی دولت رفاه و غیره - را به بورژوازی تحمیل کنند. طرح ریاضت کشی اقتصادی در این کشورها در قدم اول به معنی باز پس گرفتن این دستاوردها بود.

در هم کوبیدن اتحادیه های کارگری و بستن بیمارستانها و مهد کودکها و قطع کمک هزینه ها و افزایش ساعات کار و بیکارسازیهای گسترده و سپردن قیمتها و دستمزها به مکانیسم بازار آزاد شمره پیاده کردن طرح ریاضت کشی اقتصادی و سفت کردن کمریندها در غرب بود. ولی در کشورهائی نظیر شیلی و برزیل و اندونزی و اوروگوئه، جوامعی که چنین امکانات و تسهیلاتی از ابتدا وجود خارجی نداشت، بورژوازی این طرح را تنها

بقدرت بخون کشیدن جامعه توانست عملی کند. همتهای جهان سومی ریگان و تاجر، امثال ژنرال پینوشه در شیلی و ژنرال مارتینز دوهوز در آرژانتین و ژنرال سوهارتو در اندونزی بودند که ابعاد جنایاتشان معرف

حضور همه هست.

وقتی شکمها به پشت چسبیده باشد سفت کردن کمریندها ممکن نیست، باید سرها را قطع کرد. دیکتاتوری عریان و سرکوب وحشیانه روبنای سیاسی مدل ریاضت کشی اقتصادی در کشورهای توسعه نیافته است. تاجریسم و ریگانسیم و فرزند خلف آنها یعنی نئوکسرواتیسم نوع جرج بوش کل این سیستم توحش سیاسی - اقتصادی سرمایه داری عصر امروز را نمایندگی میکنند. میلتن فرید من پدر مکتب "اقتصاد بازار آزاد" مدت کوتاهی بعد از کودتای پینوشه در شیلی حضور یافت تا ژنرال تازه بقدرت رسیده را در "سرو سامان دادن" به اقتصاد شیلی یاری کند. دیگر کارشناسان دست پرورده مکتب شیکاگو نیز در پیاده کردن مدلهای اقتصادی سایر خونتاهای نظامی در آمریکای لاتین و در سراسر دنیا نقش کلیدی داشتند. حمایت جانانه مارگارت تاجر از پینوشه تا آخرین روزهای عمرش گویا ترین نماد همراهی و همجهتی نمایندگان توحش سرمایه داری هار عصر ما در کشورهای صنعتی غرب و کشورهای غیر صنعتی است.

جمهوری اسلامی هم تافته جدابافته ای نیست. "جراحی اقتصادی" توحشی در سطح پینوشه را طلب میکند. البته رژیم حاکم در سبعیت و جنایت دست کمی از خونتاهای نظامی ندارد اما مشکل حکومت مردم معترضی هستند که مدتهاست اعلام کرده اند حکومت اسلامی نمیخواهیم. عارتگران حاکم کودتایشان را بیست و هفت سال قبل در سی خرداد شصت انجام دادند، نسل کشیهایشان را در تابستان ۶۷ مرتکب شدند و قتلهای زنجیره ایشان را در دوره رئیس جمهور لبخند به لب سازمان داند و بساط اعدام و سنگسارشان هم همیشه به راه بوده است. با این همه توانسته اند جامعه را مرعوب کنند و به تمکین بکشاند. اینها برای اعمال وحشیانه ترین سرکوبگریهای لازم برای طرح اقتصادی بانک جهانی آماده اند، مشکل مردمی هستند که به این وضعیت تن نمیدهند!

از سوی دیگر این جامعه معترض و نا آرام نه تنها حکومت اسلامی بلکه کل بورژوازی را با يك بحران حکومتی عمیق روبرو کرده است. این بحران خصلتا بحرانی

سیاسی است. اسلام ضد آمریکائی کاملاً از ظرفیت تحمیل شرایط برده وار مطلوب سرمایه داری امروز برخوردار هست اما مشکل بورژوازی اینست که این توانائی را تحت بیرق اسلام سیاسی ضد آمریکائی و بعنوان ستون فقرات تروریسم اسلامی در منطقه و در جهان بدست آورده است. از نقطه نظر بورژوازی جهان پیاده شدن هر نوع مدل اقتصادی در ایران مستلزم رام شدن اسلام سیاسی و یا فاصله گرفتن جمهوری اسلامی از جنبش اسلام سیاسی است. در حال حاضر مساله بحران هسته ای و دخالتگریهای حکومت اسلامی در منطقه ظرف حل و فصل این کشمکش سیاسی است. و تا وقتی این کشمکش به نقطه سازشی نرسیده باشد اقتصادیات ایران روی میز بانک جهانی قرار نمیگیرد. اما چنین سازشی کل هویت این حکومت و تعریف و موقعیتی که بعنوان يك نیروی ضد شیطان بزرگ در جامعه ایران و در جهان و منطقه از خود بدست داده است زیر سؤال خواهد برد و زمینه را برای تهاجم انقلابی مردم فراهم خواهد ساخت. به این معنی اساس بحران حکومتی بورژوازی در ایران سیاسی است و ریشه آن هم توده مردم معترض و متغیر از حکومت و "خطر" انقلاب زیرو رو کننده ایست که کل نظام موجود را تهدید میکند. وجود حزب کمونیست کارگری و نفوذی که در جامعه کسب کرده و در استقبال وسیع مردم از برنامه های کانال جدید بخوبی منعکس است، خود مبین موقعیت قدرتمند چپ و آرمانهای انسانی و برابری طلبانه سوسیالیستی در جامعه است. انسانیت و آزادیخواهی و برابری طلبی سوسیالیستی برخلاف همه کشورهائی که مدل ریاضت کشی اقتصادی در آنها پیاده شده، در جامعه ایران حزبیت یافته و پر نفوذ است و همین فاکتور بورژوازی ایران و جهان را در دست زدن به هر نوع تحویل تحول سیاسی و اقتصادی محتاط و محافظه کار میکند. (برای توضیح بیشتر در این مورد رجوع کنید به مقاله بن بست سرمایه و سراب متعارف شدن رژیم، در انترناسیونال شماره ۲۴۳)

خلاصه کنم. دو فاکتور سیاسی یعنی تغییر هویت دادن از يك حکومت اسلامی به يك حکومت پرو

از صفحه ۲ ۴ سؤال از حمید تقوایی

فدراسیون آموزش بین الملل نسبت به حکم اعدام فرزاد کمانگر اعتراض کرد!

ای نه تنها نقض آشکار حقوق اتحادیه های کارگری است بلکه همچنین يك فضای ترس و تبعیض در میان فعالین اتحادیه ای در ایران ایجاد میکند.

همچنین ای آی متاسف است که آقای کمانگر زمانیکه در بازداشت بوده مورد شکنجه قرار گرفته و از درمان پزشکی نیز محروم شده است. ای آی از مقامات ایرانی میخواهد که گزارشات مربوط به شکنجه را مورد تحقیق قرار دهد تا اطمینان شود که در آینده هیچ زندانی مورد شکنجه و رفتارهای خشونت آمیز قرار نگیرد.

در ماه مه ای آی درخواست يك ملاقات حضوری با علی اصغر حاجی سفیر جمهوری اسلامی در بروکسل کرد. تا این لحظه سفارت جمهوری اسلامی، قادر نشده که زمان معین و مناسبی را برای این جلسه تعیین کند. ای آی مایل است تا يك دیالوگ را با مقامات ایرانی باز کند تا شاهد توسعه درک بهتر از روح همکاری و منافع دو طرفه باشیم.

ای آی خوشحال میشود تا نسبت به این درخواست برخورد مثبتی را دیده و ضمناً به بررسی اوضاع ایران به طور فشرده ادامه خواهد داد.

با احترام
فرد فان لیون
دبیر سراسری

کپی:

نماینده علی خامنه ای
علی اصغر حاجی
آی ال او
آی تی یو سی"

و امنستی انترنشنال برای بازبینی مجدد پرونده از طریق يك دادگاه منصف مطابق با استانداردهای بین المللی را مورد حمایت قرار میدهد. آموزش بین الملل همچنین مقامات را فرامیخواند تا حکم اعدام فرزاد کمانگر را تغییر دهند. به این دلیل که درخواست مجازات اعدام جبران ناپذیر است و سیستم قضایی باید از قربانی کردن افراد بیگناه پرهیز کند.

طبق اظهارات وکیل کمانگر هیچ موردی وجود ندارد که اثبات کند آقای کمانگر برای امنیت ملی خطرناک میباشد. آموزش بین الملل به همراه سایر سازمان های حقوق بشری بابت تبعیض اعمال شده به فرزاد کمانگر بعلت کرد تبار بودن، عضویت در انجمن صنفی معلمان کرد، و فعال دفاع از حقوق بشر و اقلیتها، متاسف است.

اطلاعات دریافتی اخیر توسط ای آی همچنین تاکید میکند که ۳ فعال اتحادیه معلمان از کامیاران به نامهای حسن قربانی، احمد قربانی و کاهه رستمی در ۲۳ جولای در حالیکه قصد شرکت در جلسه انجمن صنفی معلمان تهران برای متوقف کردن حکم اعدام فرزاد کمانگر را داشتند، ناپدید شدند. این برخوردها نمونه هایی از ایجاد فضای ارباب علیه فعالین اتحادیه های معلمان است.

ایران از اعضای دائم و قدیمی سازمان جهانی کار بوده که ملزم به رعایت اصول اساسی بیانیه آی ال او و حقوق کار که آزادی تشکل را تضمین میکند، میباشد. دستگیری، بازداشت و محکومیت فعالین اتحادیه ها به دلیل فعالیتها مشروع انسانی و اتحادیه

در پی کارزار جهانی برای لغو حکم اعدام فرزاد کمانگر فدراسیون آموزش بین الملل با ۳۰ میلیون عضو طی نامه ای به احمدی نژاد نسبت به حکم اعدام فرزاد کمانگر اعتراض کرد. در این نامه فدراسیون آموزش بین الملل همچنین از اعمال شکنجه علیه فرزاد کمانگر ابراز نگرانی کرده است.

در هفته های گذشته فعالیت جهاتی برای نجات جان فرزاد کمانگر گسترش زیادی داشته است و تاکنون سازمانها و نهادهای متعددی نسبت به موج اعدامها در ایران و بویژه صدور حکم اعدام برای فرزاد کمانگر به جمهوری اسلامی اعتراض کرده اند. ما یکبار دیگر همه سازمانهای مترقی، اتحادیه های کارگری و مردم آزادیخواه را فرا می خوانیم که علیه آدمکشی های جمهوری ساکت ننشینند، در همه جا خواستار پایان یافتن اعدامهای جمهوری اسلامی شوند و یکصدا اعلام کنند که فرزاد کمانگر آزاد باید گردد!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
۳۱ ژوئیه ۲۰۰۸

متن ترجمه شده نامه فدراسیون آموزش بین الملل به احمدی نژاد

به: رئیس جمهور، احمدی نژاد
بار دیگر از سوی آموزش بین الملل برای شما مینویسم تا تاسف خود را از تایید حکم اعدام معلم فرزاد کمانگر اعلام کنم. آموزش بین الملل، کمپین انجمن معلمان ایرانی

دویست هزار تومان است! دستمزد کارگر دستکم باید معادل حقوق مفتخوران مجلس شورای اسلامی باشد.

مردم خواهان تامین شغلی و بیمه بیکاری مکفی برای همه بیکاران هستند. مردم خواهان آن هستند که بهداشت و آموزش و پرورش و برق و آب و وسائل حمل و نقل عمومی رایگان شود، و به مسکن و کالاهای اساسی مورد نیاز مردم سوسید کافی تعلق بگیرد به نحوی که به قیمت ارزان برای همه قابل تهیه باشد.

این پاسخ مشخص حزب ما و اکثریت عظیم مردم ایران به طرح احمدی نژاد است.

واضح است که جمهوری اسلامی و هیچ دولت بورژوازی دیگری قادر به تحقق این خواستها نیست. حتی اعلام این خواستها که در واقع حق بدیهی همه انسانها است تاجر و ریگان و فریادمین را در گور میلرزاند! با این همه باید این خواستها را با صدای بلند اعلام کرد و بورژوازی را در برابر این دوراهی قرار داد: یا به این خواسته ها تن بدهید و یا گورتان را گم کنید! همین امروز در جامعه ایران ثروت کافی برای تحقق چندین برابر این خواسته ها وجود دارد. تنها باید محور را نه سودآوری سرمایه ها بلکه رفاه کلیه مردم قرار داد. با سرنگون کردن جمهوری اسلامی، و با مصادره اموال دزدی شده توسط سران این رژیم که تنها گوشه ای از آن تا کنون فاش شده است، و با بودجه مالتی میلیارد دلاری که صرف کمیته ها و زندانها و شکنجه گاهها و ارتش و پاسداران و کل دستگاه سرکوب این حکومت میشود میتوان فوراً و در قدم اول سطح رفاه جامعه را ده ها برابر سطح فعلی افزایش داد.

بنابراین برای توده مردم ایران نیز پیش شرط هر نوع طرح اقتصادی ای یک تحول سیاسی است: سرنگونی حکومت اسلامی و در هم کوبیدن نظام سرمایه داری به قدرت يك انقلاب عظیم چپ و انسانی. *

غرب و یا لاقبل غیر خصمانه با غرب و همچنین توانائی سرکوب خونین مردم و به تمکین و سکون کشاندن جامعه پیش شرط هر نوع گشایش اقتصادی در سرمایه داری ایران است و مانع اساسی رژیم برای تحقق هر دو این پیش شرطها جنبش عظیم اعتراضی مردم و انقلابی است که همه نیروهای سرمایه داری خطر آنرا حس میکنند. شورش گرسنگان که کارشناسان بانک جهانی چندی قبل در مورد آن هشدار دادند، در ایران يك عصیان کور نخواهد بود، بلکه يك انقلاب چپ و سازمانیافته خواهد بود که بساط چپاول سرمایه داری را همراه حکومت اسلامی و مدلهای سیاسی و اقتصادی توصیه شده بوسیله بانک جهانی را از ریشه خواهد کند. این سیاست و برنامه ای است که حزب ما با تمام توان برای تحقق آن فعالیت میکند.

انترناسیونال: مردم باید مشخصاً در مقابل این طرح چه واکنشی نشان دهند؟

حمید تقوایی: خواست مردم قبل از هر چیز مصادره اموال آیت الله های میلیاردر است. باز پس گرفتن ثروتهای نجومی ای که سران این حکومت با چپاول و غارت پول نفت و کارخانه ها و جنگلها و معادن و دیگر منابع ثروت جامعه برای خود و آقا زاده هایشان اندوخته اند! سر و سامان دادن به اقتصاد آنها با ادعای کمک به دهکهای پایینی جامعه برای حکومتی که دست مقاماتش در دزدی و چپاول اموال مردم برای همگان رو شده است يك شوخی وقیحانه ای بیش نیست! هر طرح اقتصادی مدعی سرو سامان دان به وضعیت مردم باید از مصادره اموال نجومی مقامات حکومتی شروع کند.

خواست دیگر مردم پرداخت دستمزدهای عقب افتاده و افزایش حداقل دستمزدها به سطحی دوبرابر خط فقر رسمی است. خود حکومت خط فقر را حدود ششصد هزار تومان اعلام کرده و حداقل دستمزد زیر

سوسیالیسم بپا خیز!
برای رفع تبعیض



مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱

خون بس ...

نیستند و سعید از زندان آزاد شد.

انترناسیونال: هفته گذشته، تعداد زیادی در شهرهای مختلف ایران اعدام شدند، آیا اخبار جدیدتری در مورد اعدامها دارید؟

مینا احدی: جمهوری اسلامی ایران در روز یکشنبه هفته گذشته، ۲۹ نفر را در زندان اوین اعدام کرد. سپس خبر رسید که در شیراز ۸ نفر را اعدام کرده اند و در قم سه نفر، اصفهان ۲ نفر، بوشهر ۳ نفر و زاهدان ۱ نفر اعدام شدند. همچنین خبر اجرای حکم اعدام در زندان سنندج اعلام شد که در آنجا ناصر حمیدی ۴۵ ساله بجرم "محاربه با خدا" اعدام شد. شایعاتی مبنی بر اعدام ۱۷ نفر در زندان همدان از طریق رسانه های محلی و افرادی برای ما ارسال شد. جمهوری اسلامی ایران دو نوجوان به اسامی حسن مظفری و رحمان شهیدی را به همراه یک بزرگسال به اسم حسین رهنما در روز ۱ مرداد ماه در بوشهر اعدام کرد. طبق اطلاعاتی که به ما رسیده حداقل ۵۰ نفر در یک هفته اخیر اعدام شدند. ما خبر محکومیت به اعدام چهار جوان در شهر تبریز به اسامی محمد، ابراهیم، مهدی و حمید را دریافت کردیم که به جرم همجنسگرایی به اعدام محکوم شده اند. و این موج کشتار همچنان ادامه دارد.

انترناسیونال: هفته گذشته خبر احکام سنگسار برای ۹ نفر را هم شنیدیم.

در این مورد اطلاعات شما چیست؟

مینا احدی: همه این موارد شناخته شده است و اکنون ۸ زن و یک مرد محکوم به سنگسار در زندانهای حکومت اسلامی هستند که خطر اجرای حکم، هر لحظه آنها را تهدید میکند. تعدادی از وکلای این قربانیان هفته گذشته در تهران کنفرانس مطبوعاتی داشتند که هدفشان جلب توجه بیشتر افکار عمومی به این سنگسارها بود که بنظر من، موثر هم بود و در دنیا یکبار دیگر اخبار سنگسار و اسامی محکومین به سنگسار منتشر شد.

انترناسیونال: آیا شما این هشت زن و یک مرد را می شناسید؟ آیا از جرایم اینها اطلاع دارید؟

مینا احدی: بله، کمیته بین المللی علیه سنگسار سالها است که برای

شرایطی انجام میشود که اعتصابات گسترده کارگری در ایران در جریان است، زنان و دانشجویان و جوانان و همه مردم، نه فقط از حکومت منزجر هستند، بلکه مشغول انجام یک مبارزه دایمی و گسترده علیه حکومت نکبت اسلامی هستند. جمهوری اسلامی ایران وحشت مرگ دارد و به این دلیل به قتل عام گسترده تر دست میزند.

انترناسیونال: آیا رژیم اسلامی میتواند با این سبعیت و قتل عام به اهداف مورد اشاره ات برسد؟

مینا احدی: قطعاً نه. مردم دیگر ترسی از این حکومت ندارند. اعدامها فقط نفرت و انزجار از حکومت را بیشتر میکنند. در آن جامعه با آن مشخصاتی که ما می بینیم، تحت هر شرایطی، آب خوش از گلوئی حکومت پایین نخواهد رفت.

در ایران نسل جوانی اکنون در دانشگاهها و مدارس و محیط های کار و فعالیت اجتماعی حضور دارد که ترسی از این حکومت ندارد. نسلی که شکست انقلاب و جنایات و وحشیگریهای اینها را در دوره سیاه سال شصت ندیده و تجربه نکرده است، نسلی که هیچ بدهکاری نیز به چپ سنتی و اخلاقیات و سنتهای آن دوره ندارد. نسل جوانی که از دنیا همه خوشیها و همه زندگی را میخواهد و در همه موارد علیه این حکومت سراپا ارتجاعی و قرون وسطایی است. در ایران یک جنبش عظیم فکری و یک رنسانس فکری در جریان است که بسیار مهم است. اعتراضات توده ای و گسترده، که با مضمون و پرچم انسانیت و آزادی عجین شده و امروز نیز با بهم پیوستن زیر یک پرچم و یک حزب معین میروند که تکلیف حکومت را یکسره کند. این بنظر من یکی از مهمترین فاکتورها در ایران است.

سران حکومت اسلامی در هفته های اخیر می بینند که تلویزیون کانال جدید و رهبران حزب ما، حرفهای ما و ایده های انسانی ما، به خانه میلیونها نفر رفته و مردم وسیعاً به طرف ما روی می آورند، این یک واقعه مهم در اوضاع سیاسی در ایران است. مردم به ملاقات حزبی میروند که ستون فقرات بهم پیوستن و اتحاد مردم و تعیین تکلیف با رژیم اسلامی است. همه اینها ابعاد خطرناک بودن اوضاع رژیم را نشان

میدهد و سران حکومت اینها را می بینند و به فکر چاره جویی هستند.

انترناسیونال: در تبلیغات رژیم به طور برجسته ای مطرح میشود که اعدامیها عده ای قاتل و دزد و تبهکار و متاوزین به عنف هستند و این کار رژیم اجرای عدالت برای ارتقای امنیت اجتماعی است. در این مورد نظرتان چیست؟

مینا احدی: این پروپاگاندا جنایتکارانی است که برای دفاع از جنایات خود، آنها را سر هم بندی کرده و تحویل مردم می دهند. سوال اینست که آیا ایران با اینهمه اعدام، کشور امنی است؟ آیا آمار قتل و جنایت در آن کشور پایین هست و یا پایین رفته؟ اتفاقاً با اعدامهای خیابانی و به نوعی آموزش اعدام به کودکان و جوانان در آن جامعه، ارزش جان انسان پایین رفته و قتل راحت تر شده است. امنیت اجتماعی البته اسم رمز حکومتیها است. در مقابل اعتراضات و مبارزات مردم، در مقابل اعتصابات کارگری و مبارزات زنان علیه حجاب، امروز حکومت از امنیت روانی هم حرف میزند و دستور قتل حمله کنندگان به این امنیت را خواهان است. منظورشان کشتن ویلاگ نویسندگان مترقی منتقد مذهب و اسلام، بی خدایان و افرادی است که به اسلام پشت میکنند. حکومت اسلامی همواره در مقابل اعتراضات گسترده با شعار حفظ امنیت به میدان آمده و به نام حفظ امنیت مردم، مردم را میکشد!

از نظر ما، پاسخ هیچ جرم و جنایتی در جامعه، قتل عمد دولتی نیست. برای مقابله با جرایم و جنایات، باید به راه حل های دیگری توسل جست و نه سازمان دادن قتل و جنایت خونخوردانه دولتی!

انترناسیونال: در مقابل این سبعیت رژیم چه کار میتوان و باید کرد؟

مینا احدی: باید متحدانه به این جنایات اعتراض کرد. باید میتینگ و تظاهرات سازمان داد، باید در مقابل در زندانها تجمع کرد و باید هر صحنه اعدام را به صحنه اعتراض علیه حکومت اسلامی تبدیل کرد. باید در سطح بین المللی خبر این جنایات را پخش کرد. هم اکنون رسانه های متعددی در دنیا جنایات حکومت اسلامی در یک هفته اخیر را مطرح کرده و از هفته قرون

وسطایی و جنایات غیر قابل توصیف حرف زده اند. باید مقامات دولتهای اروپایی و اتحادیه اروپا را زیر فشار گذاشت و باید کاری کرد که روابط دیپلماتیک اینها با جمهوری اسلامی قطع شود. حکومت اسلامی ایران بجرم جنایت علیه بشریت باید محاکمه شود و این خواستها را باید طرح کرد و با اتکا به نیروی مردم بر سازمان ملل و اتحادیه اروپا و دادگاه لاهه تحمیل کرد.

انترناسیونال: آخرین سوال من در مورد آزادی سعید جزئی نوجوان محکوم به اعدام از زندان است، چطور شد سعید آزاد شد؟

مینا احدی: بله خوشبختانه سعید جزئی در روز سه شنبه هشت مرداد ماه برابر با ۲۹ ماه جولای از زندان رجایی شهر کرج آزاد شد. سعید هنگامی که ۱۶ ساله بود، در یک نزاع در اغذیه فروشی در تهران مرتضی جان زمین را به قتل رساند. سعید دستگیر و یکسال بعد به اعدام محکوم شد. در اعتراض به این حکم، مجموعه اقداماتی در دنیا و در ایران انجام گرفت و سرنوشت سعید مورد توجه افکار عمومی قرار گرفت. اما نکته جالب در مورد رهایی سعید در عین حال به یک اقدام بسیار جالب مردم در روستای محل زندگی خانواده مرتضی جان زمین یعنی روستای چم شیر عرب در ایلام مربوط میشود. مردم در این روستا با تشکیل یک مجمع عمومی و با اعلام اینکه مراسم "خون بس" اجرا میکنند، از خانواده مقتول درخواست کردند که خواهان لغو حکم اعدام سعید شده و اعلام کنند که خون در مقابل خون و چشم در مقابل چشم دیگر بس است. در این مراسم که تعداد زیادی حضور بهم رساندند، خانواده مقتول گفتند که نمیخواهند سعید اعدام شود و سخنرانیهای متعددی انجام شد و درمورد مقابله با خشونت علیه نوجوانان سخنرانی شد و در نهایت خانواده مقتول در این جمع رسماً اعلام کردند که خواهان اعدام سعید نیستند و سعید از زندان آزاد شد. بنظر من این یک واقعه مهم در مقابله با اعدامها در ایران است و بیانگر روحیه و خواست مردم برای پایان دادن به موج جنایت علیه مردم است.*

موج وسیع اعدام و سنگسار و ترور اسلامی، جمهوری اسلامی باید برود!

این اطلاعیه هفته گذشته زمانی دریافت شد که انترناسیونال شماره ۲۵۴ منتشر شده بود. انسانهایی که در این اطلاعیه به آنها اشاره شده است همین یکشنبه توسط جانیان اسلامی اعدام شده اند. به خاطر اهمیت سیاسی مضمون آن، این اطلاعیه در این شماره منتشر میشود. انترناسیونال

جمهوری اسلامی اعلام کرده است که روز یکشنبه ۳۰ نفر را اعدام خواهد کرد. هفته قبل نیز خبر حکم سنگسار ۹ نفر اعلام شد. طی چند هفته اخیر دستکم ۱۳ نفر در شهرهای مختلف و برخی در ملاء عام اعدام شده اند. اخیرا به فرزند کمانگر یک معلم مبارز حکم اعدام داده اند. دهها دانشجو در شهرهای مختلف به انحاء گوناگون تحت تعقیب قرار گرفته اند. دانشجویان چپ که قبلا در جریان ۱۶ آذر دستگیر و به قید وثیقه آزاد شده بودند اکنون در معرض اعزاز به زندان قرار دارند. فعالین سیاسی عرصه های مختلف در معرض انواع تهدیدها قرار گرفته اند. خانواده های داغدار هالوکاست اسلامی ۶۷ که

جمهوری اسلامی درگیر فلج اقتصادی، غرق در بحران همه جانبه سیاسی و حکومتی، و در منگنه محاصره مردمی که از فقر و گرانی و اختناق و حکومت آیت الله های میلیاردری به تنگ آمده اند، برای بقاء خود میجنگد. اعدام و سنگسار و انداختن اوپاش اسلامی به جان مردم، "راز بقاء" جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی میخواهد با جنایتگری بی سابقه به جامعه اعلام کند که علیرغم هر چرخش و معامله احتمالی در رابطه اش با غرب و آمریکا، در مواجهه با مردم همچنان خونخوار و جانی و اسلامی خواهد بود. اما هر اندازه که رژیم اسلامی به جنایات عیان و ترور اسلامی علیه جامعه روی آورد، بر صحت و ضرورت این حکم مردم ایران بیشتر تاکید میکند: جمهوری اسلامی باید برود! جمهوری اسلامی وصله ای نجسب به جامعه است که جز

چنگ انداختن به صورت مردم، کشتار بیشتر و عمیقتر کردن گور خود راهی نمی شناسد. متوقف کردن این ماشین جنایت، کار مردم است. مردم! برای اجرای حکم تان به میدان آیید. علیه هر اعدام و سنگسار به اعتراض برخیزید. علیه اوپاش اسلامی در خیابانها و دخالت دولت اسلامی در زندگی تان با تمام قوا مبارزه کنید. حجاب این طوق بندگی اسلامی جامعه را تماما ملغی کنید. مقابل هر تعرض جمهوری اسلامی به فعالین سیاسی دانشجویان چپ و معترض حمایت کنید. برای آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی با تمام قدرت مبارزه کنید. صدای اعتراض خود را به هر نحو ممکن بلندتر و بلندتر کنید و به گوش تمام جهان برسائید. بشریت آزادیخواه و متمدن در کنار شما خواهد بود. با اعتراض و مبارزه قاطع شما بدون تردید این رژیم فرتوت اسلامی، این نظام اعدام، سنگسار و زندان در هم خواهد شکست و فرو خواهد ریخت.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳ مرداد ۱۳۸۷، ۲۵ جولای ۲۰۰۸

از صفحه ۱ اسلاف خود نخواهد داشت.

تا آنجا که به مضمون این طرح بر میگردد ویژگی آن تبعیت کامل از سیاستهای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول است. خصوصی سازیها، بیکار سازیها، قراردادهای موقت کار، سپردن کامل قیمتها و دستمزدها به مکانیسم بازار آزاد، سلب مسئولیت کامل از دولت در قبال جامعه، و زدن سوسیالدها (یارانه ها) همه از اجزای نسخه اقتصادی است که بعد از جنگ سرد از طرف بانک جهانی به همه دولتها دیکته میشود. این همان نسخه "ریاضت کشی اقتصادی" سرمایه داری بازار آزاد است که احمدی نژاد با رندی احمقانه خاص آخوندها میخواد آنرا تحت نام مستضعف پناهی و کمک به "دهک های پائینی" جامعه به مردم تحمیل کند! بخش عمده این ریاضت کشی، یعنی خصوصی سازی و اخراج و بیکاری و قراردادهای پیمانی و موقت و پائین نگهداشتن دستمزدها (کمتر از یک سوم خط فقر رسمی)، یک جزء همیشگی سیاست جمهوری اسلامی بوده است. و حالا قرار است با قطع یارانه ها این بسته

فقر و فلاکت را تکمیل کنند.

شان نزول این طرح در واقع قطع یارانه ها است و این معنایی بجز افزایش نجومی قیمتها و تحمیل فقر و گرسنگی بیشتر و وسیع تر به مردم ندارد. میخوانند این جام زهر را با وعده "کمک نقدی به دهکهای پائینی" به مردم بخوراندند. اما حتی اگر این وعده عملی شود، قیمت کالاها و نرخ تورم چنان سرسام آور افزایش خواهد یافت که توده مردم را به خاک سیاه خواهد نشاند.

این طرح ربطی به سر و سامان دادن به وضعیت اقتصادی مردم ندارد! بلکه تماما علیه آن اکثریت عظیمی است که مدتهاست حکومت اسلامی زندگی زیر خط فقر را بر آنان تحمیل کرده است. آیت الله های میلیاردر دارند از جیب مردم و به قیمت خانه خرابی آنان به سرمایه داری جهانی چراغ سبز میدهند! این جزء دیگر بسته پیشنهادی حکومت اسلامی به بورژوازی جهانی است و البته در این مورد همه نیروها و احزاب بورژوازی از داریوش همایون تا دولتهای غربی کاملا هم نظر و هم جهت اند. این طرح مستقیم و عریان کل بورژوازی را

در برابر توده کارگران و مردم زحمتکش قرار میدهد.

اما در شرایط جامعه ایران نسخه پیچی اقتصادی درد بورژوازی را درمان نخواهد کرد. بحران حکومت و کل بورژوازی ایران عمیق تر و پایه ای تر از آنست که با این نوع نسخه های اقتصادی، هر اندازه هم که باب طبع کارشناسان بانک جهانی باشد، حل و فصل شود و یا حتی تخفیف پیدا کند. لاعلاجی و بن بست همه جانبه حکومت که در رابطه با بورژوازی جهانی خود را در کشمکش با کشورهای ۵+1 و بحران هسته ای و مقابله دو قطب تروریستی اسلام سیاسی و تروریسم دولتی آمریکا در منطقه نشان میدهد، اساسا در بحران ایدئولوژیک- سیاسی- اجتماعی حکومت در خود جامعه ایران ریشه دارد. بحران حکومتی بورژوازی در ایران در اقتصادیات جواب نمیدهد!

اساس معضل بورژوازی در ایران کارگران و مردم بجان آمده ای هستند که مدتهاست اعلام کرده اند حکومت اسلامی نیکوخواهیم! وحشت حکومت از اعتراض و طغیان مردم به حلی است که این طرح کثافت هنوز اعلام نشده جناحها و دار و دسته های رنکارانگ حکومتی در مورد پیامدهای آن به یکدیگر هشدار میدهند. و برای چندمین بار روشن

میشود که ریشه نزاعهای درون حکومتی، همانند کشمکش میان دولتهای غربی با حکومت اسلامی، هراس از گسترش اعتراضات توده ای و "خطر" شکل گیری یک انقلاب بنیادی است که کل این بساط جنایت و چپاول را درهم خواهد پیچید. طرح "جراحی اقتصادی" نه تنها مشکلی از حکومتیان حل نمیکند، بلکه بر دامنه تشمت و بی ثباتی و سردرگمی آنان خواهد افزود.

مردم این طرح را بر سر حکومت خرد خواهند کرد. مردم خواهان محاکمه آیت الله های میلیاردر و سران چپاولگر حکومت هستند. با مصادره اموال غارت شده توسط سران جمهوری اسلامی و میلیاردها دلاری که صرف زندانها و شکنجه گاههای حکومت و دستگاه عریض و طویل سرکوب آن میشود میتوان شرایط رفاهی بالائی برای توده مردم فراهم کرد.

حزب از جانب توده مردم و دهکهای پائینی جامعه اعلام میکند:

همه حقوقهای معوقه باید فوراً پرداخت شود،
حداقل دستمزدها باید به یک ونیم میلیون تومان افزایش پیدا کند،
باید همه تامین شغلی داشته باشند و بیمه بیکاری مکفی برای همه بیکاران تضمین شود.

بهداشت و درمان و آموزش و پرورش و وسائل نقلیه عمومی و آب و برق باید رایگان شود
و با پرداخت یارانه کافی باید مسکن، مواد غذایی، سوخت و کالاهای اساسی مورد نیاز مردم با قیمت ارزان در اختیار همگان قرار گیرد.

این طرح اقتصادی مردم در مقابل طرح جراحی اقتصادی رژیم است! حزب اعلام میکند که حکومت اسلامی و نظامی که این رژیم حافظ و پاسدار آن است خود عامل فقر و محرومیتی است که بخش اعظم جامعه را در بر گرفته است. رفاه مردم نیز قبل از هر چیز در گرو جراحی غده جمهوری اسلامی از بدن رنجیده جامعه ایران است. حزب همه مردم را فرامیخواند تا علیه طرح جراحی اقتصادی و علیه کل حکومت اسلامی سرمایه داران به میدان بیایند. پاسخ بحران و بن بست این حکومت، پاسخ تروریسم اسلامی و بحران هسته ای و بانک جهانی و دولتهای ۵+۱ را مردم ایران با سرنگون کردن حکومت به قدرت انقلاب خود خواهند داد. حزب کمونیست کارگری این را تضمین میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳۰ ژوئیه ۲۰۰۸، ۲۰ مردادماه ۱۳۸۷

شما هم در مقابل جنایات جمهوری اسلامی ایران مسئولید نامه مینا احدی سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام

به روسای سازمان ملل و اتحادیه اروپا، به هانس گرت هرمن پوترینگ، رئیس پارلمان اروپا

به رئیس سازمان ملل متحد، آقای بان کی مون

رونوشت: نهادهای مدافع حقوق انسان و رسانه ها

حکومت را باید مانند رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی منزوی کرد، سفارتش را تعطیل کرد، نمایندگانش را اخراج کرد، از سازمانهای بین المللی بیرونش انداخت و سرانش را به دادگاه کشاند؟ این سوالات روی میز شما است. این رژیم را اکثریت عظیم مردم نمیخواهند و با مبارزه و انقلاب خود سرنگونش میکنند. حداقل انتظار مردم ایران از شما اینست که دست از مماشات و حمایت و برسمیت شناسی جمهوری اسلامی بردارید.

مینا احدی
سخنگوی کمیته بین المللی
علیه اعدام
۳۰ جولای ۲۰۰۸

است تا شما هم قبول کنید که سران این حکومت يك مشت قاتل و جنایتکار حرفه ای هستند؟ چند اعدام و سنگسار دیگر، چه تعداد دستگیری و شکنجه زندانیان و چند مورد دیگر دست بردن و از بلندی پرتاب کردن لازم است که شما هم در اتحادیه اروپا و سازمان ملل و سازمان جهانی کار و همه نهادهای بین المللی دیگر قانع شوید که این

کارساز نیست و بارها پوچی خود را نشان داده است. دنیا این حکومت را به عنوان يك حکومت جنایتکار و ضدبشر و ضد زن میشناسد. سوال من از اتحادیه اروپا و سازمان ملل این است که چه حجم دیگر جنایت توسط جمهوری اسلامی لازم است تا شما نیز این دولت را يك دولت آدمکش بشناسید؟ چه حجم دیگر جنایت لازم

است که اخیرا به سلولهای انفرادی منتقل شده و در تهران و همدان و شیراز و تبریز و ... منتظر اجرای فرمان قتل توسط حکومت اسلامی هستند. برای جلوگیری از جنایات بیشتر توسط جمهوری اسلامی، باید شدیدتر از اینها عکس العمل نشان دهید. صدور اطلاعیه و یا تماس گرفتن با سران حکومت اسلامی و مذاکره در پشت درهای بسته،

ماشین آدمکشی جمهوری اسلامی يك دم از کار نمی افتد و تنها در يك هفته اخیر ۴۹ نفر را تحت عنوان اعدام به قتل رسانده و تعداد بیشتری را به اعدام محکوم کرده است. خبر رسید که در تبریز چهار جوان به اتهام همجنسگرایی به اعدام محکوم شده اند. کمیته بین المللی علیه اعدام، شدت نگران جان دهها نفر دیگر

تجمع اعتراض آمیز معلمان حق التدریسی در مقابل مجلس

لازم به یادآوری است معلمان حق التدریسی تا کنون بارها دست به تجمعات اعتراضی زده اند و خواهان رسیدگی به خواسته های خود شده اند. حزب کمونیست کارگری از اعتراض و خواست های برحق معلمان حق التدریسی قاطعانه دفاع میکند و معلمان سراسر کشور و مردم را به همبستگی با آنها فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۹ مرداد ۱۳۸۷، ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۸

آنها به پایین بودن حقوقهایشان اعتراض داشتند. معلمان حق التدریسی همچنین خواستار استخدام رسمی در آموزش و پرورش هستند، اما علیرغم وعده وعیدهایی که تا کنون به آنها داده شده هیچ اقدامی در این باره صورت نگرفته است. در اینباره معلمان میگفتند: "پیشتر قرار بود معلمینی که دارای پنج سال سابقه حق التدریسی هستند به استخدام رسمی آموزش و پرورش در آیند ولی با پیگیری های بعدی، جوابی که شنیدیم این بود که "بودجه نداریم".

براساس اخبار رسیده، جمعی از معلمان حق التدریسی و مربیان پیش دبستانی و مهدهای کودک که از اکثر نقاط کشور از جمله لرستان، اصفهان، کهگیلویه و بویراحمد و همدان به تهران رفته بودند در اعتراض به ناروشتی وضعیت استخدامی، میزان حقوقها و سختی شرایط کار، در برابر مجلس اسلامی دست به تجمع اعتراضی زدند.

معلمان معترض میگفتند: با وجود سوابق بالای هفت سال خدمت هنوز تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی قرار نگرفته ایم. همچنین

لیست کمک مالی به تلویزیون کانال جدید:

بهمن خانی و فرشته مرادی
علی محسنی
محبوبه سیاهمردی
فرشاد حسینی
کریم شامحمدی
سیامک بهاری
شهاب بهرامی
فریده آرمان
رزگار رضایی
محمد امیری
ناصر رحمانی
رضا اکبری
سوسن صابری
منصور فرزند

استرالیا

۲۰۰ یورو
۵۰ یورو
۵۰ یورو
۵۰ یورو
۱۰۰۰ کرون
۱۰۰۰ کرون
۵۰۰ کرون
۵۰۰ کرون
۵۰۰ کرون
۵۰۰ کرون
۵۰۰ کرون
۵۰۰ کرون
۲۵۰ کرون
۲۵۰ کرون

۵۰ دلار

برزو

کارگران لاستیک البرز به اعتصاب و تجمع ادامه میدهند

فرامیخواند. حزب همچنین کارگران مراکز مختلف و همه مردم آزادیخواه را به حمایت از اعتراض کارگران لاستیک البرز و درمقابل حکومت کثیف و جنایتکار جمهوری اسلامی فرامی خواند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرکز بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ ژوئیه ۲۰۰۸، ۸ مردادماه ۱۳۸۷

جواب داده نشود روزهای شنبه و یکشنبه، همراه خانواده هایشان در مقابل ارگانهای دولتی تجمع خواهند کرد.

حزب کمونیست کارگری از اعتراض کارگران لاستیک البرز قاطعانه حمایت می کند و آنها را به تصمیم گیری جمعی در مجمع عمومی خود فرامیخواند. تلاش کارگران به شرکت خانواده ها در تجمع اعتراضی آنها يك اقدام مهم مبارزاتی است. حزب کلیه خانواده های کارگران را به شرکت در تجمعات و تصمیم گیریهای کارگران

۱۴۰۰ کارگر لاستیک البرز (کیان تایر) از صبح امروز در ادامه ۱۸ روز اعتصاب در کارخانه دست به تجمع زدند و در اعتراض به ۴ ماه دستمزد و مزایای پرداخت نشده خود به آتش زدن لاستیک پرداختند. این تاکتیکی است که کارگران لاستیک البرز از اعتصابات مداوم خود از زمستان سال قبل به آن دست میزنند تا توجه بیشتری به اعتراض خود معطوف کنند. در این اعتصاب متحدانه کلیه کارگران از هر سه شیفت شرکت دارند. کارگران اعلام کرده اند چنانچه به خواست های آنها

کمک مالی به حزب

۱۵۰ دلار

علی از آمریکا

... دنیا بدون فراخوان

سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم

و بدون "خطر" سوسیالیسم به

چه منجلا بی بدل میشود!

شکست پروژه جشنواره تیرگان (یکی بود یکی نبود) در کانادا



ایرج رضایی

مواجه می‌شویم سینمای ایران کلید رمزگشای ما است و عباس کیارستمی سینماگری است که تا کنون قلهای مهمی را در این راه باز کرده است. ۱

محمد رضا لطفی توده ای مسلمان شده که عاشق حضرت علی است و ارتباطات روحی معنوی با محمد پیغمبر تازه باز یافته اش برقرار می‌کند و نور الاهی به صورتش تابیده و رخشان بنی اعتماد (برپا کننده ستاد انتخاباتی خاتمی و منتخب وزارت ارشاد برای شرفیابی به حضور خامنه ای در اوسط سال پیش) ۲ و داریوش مهرجویی و ایدین آغداشلو و چندین عروسک خیمه شب بازی پروژه ورشکسته دو خردادی جزو شرکت کنندگان این برنامه بودند. تعدادی هم که تا کنون توانسته بودند خود را از دل‌ق بازی های سیاسی و هنری رژیم محفوظ کنند در میان شرکت کنندگان در این جشنواره بودند. برای اینگونه هنرمندان که به این سادگی به دام این حقه بازیهای رژیم می افتند و برای آنتهایی که نان به نرخ روز می‌خورند باید متأسف شد. دور نیست که در فردای تحقق فریاد آزادی و برابری مردم، اینان سرافکننده خود را مجبور به پاسخگویی به مردم بیایند.

۱ و ۲: به نقل از مقاله آش یک میلیون دلاری بصیر نصیبی مندرج در سایت www.cinemaye-azad.com

میکرد. سیاست جمهوری اسلامی ارائه تصویری دیگر از چهره کربه جمهوری اسلامی در خارج و گذاشتن سرپوش به سرکوب مبارزات مردم، اعدام، شلاق سنکسار سانسور و اختناق حاکم در ایران بود. جمهوری اسلامی می‌خواست با مخفی کردن این حقیقت که هنرمندان آزاده سرشان بالای دار است و در سیاه چالهای رژیم به سر میرید آبرویی برای خود بخرد. اما هدف دولت کانادا از حمایت و پرداخت هزینه هنگفت این مراسم چه بود؟ دولت کانادا بعد از شکنجه و قتل زهرا کاظمی روزنامه نگار کانادایی ایرانی توسط رژیم اسلامی ایران، رابطه اش با این حکومت به سردی گرایید. کشمکش و درخواست تحویل جنازه زهرا کاظمی به کانادا و همچنین توضیح علت مرگ او در مناسبات و منافع اقتصادی کانادا در ارتباط با ایران تاثیر منفی گذاشت. دولت کانادا سیاست بازسازی رابطه خود با دولت جمهوری اسلامی و حفظ منافع اقتصادی خود (قرارداد استخراج نفت در ایران و همچنین فروش تسلیحات نظامی به ایران) را در این خیمه شب بازی دنبال می‌کرد. میتوان تاکید کرد که با عدم استقبال ایرانیان مقیم کانادا از این مضحکه این پروژه تنها به خیمه شب بازی خودی های رژیم تبدیل شد.

لازم به ذکر است که در ترکیب هنرمندانی که به این جشنواره دعوت شده بودند عباس کیارستمی که ماهیت اش برای همگان روشن است در صف اول بود. نقش او و همفکرانش را در دوام جمهوری اسلامی از زبان رئیسین رئیس کانون کارگردانان بشنویم: سفیر جمهوری اسلامی در فرانسه در زمان برگزاری جشنواره کن گفته بود هر وقت ما در دیپلماسی با در بسته

ایرانی مقیم تورنتو تعداد بسیار کمی از آن دیدن کردند که حاکی از عدم استقبال عمومی مردم بود. ضمناً گزارش روز ۲۲ ژوئیه سایت بی بی سی که بعد از چند ساعت از سایت برداشته شد عدم استقبال و شکست این پروژه را نشان می‌دهد. مضافاً این که بیشتر بازدید کنندگان این جشنواره را خودی های رژیم و تعداد کمی از ایرانیانی که اساساً از ماهیت این جشنواره و زد و بندهای پشت پرده آن بی خبر بودند تشکیل میدادند. البته با حضور آزادیخواهان معترض و فعالین سیاسی از جمله حزب کمونیست کارگری ایران پخش اطلاعیه در این محل و افشاکاری علیه این ترفند جدید حامیان رژیم تحت لوای ارائه هنر و فرهنگ ایرانی تعدادی از بازدید کنندگان با آگاه شدن از اهداف پشت پرده این برنامه از شرکت و حضور در آن برنامه خودداری نمودند.

وضعیت عمیقاً غیر انسانی حاکم بر ایران با اعدامها، دستگیریها فقر و سیه روزی عمومی، اعتیاد و فحشا و بی حقوقی مطلق و غیر قابل وصفی که زندگی را به خود کشی تدریجی تبدیل کرده است آنقدر آشکار و رسوا است که در مقابل هر ناظر حاضر در مرکز هنری هارپرت فرانت تورنتو این سؤال را می‌گذارد: به خاطر کدام منفعت و مناسبات حقیرانه برگزار کنندگان این جشنواره اینچنین به خود اجازه میدهند تا تحت عنوان هنر این متوحشین ضد هنر ضد تمدن و انسانیت را بزک کرده و به ساکنان تورنتو قالب کنند.

برگزاری مضحکه "یکی بود یکی نبود" مبلغی بالغ بر ۷۰۰ هزار دلار کانادایی هزینه در بر داشته است که نصف آن را دولت کانادا متقبل گردید. این جشنواره تامين سياست دو دولت ایران و کانادا را دنبال

نشانشان دادیم و توضیح دادیم که هدف ما دفاع از انسانیت است، مبارزه علیه اعدام است، همان مسئولین انتظامات به ما گفتند که از طرف برگزار کنندگان از آنها خواسته شده که ما را بیرون کنند و اجازه پخش این گونه اطلاعیه ها را ندهند. ما به مسئولین انتظامات گفتیم که چطور شخص دیگری که مشغول پخش تورنتو استار (روزنامه تورنتو) بود اجازه پخش دارد اما ما نه؟ آنها گفتند که به ما گفته شده است شما نباید این اطلاعیه ها را اینجا پخش کنید و به ما پیشنهاد دادند که این محوطه سه ورودی دارد و بهتر است که به ورودی های دیگر برویم و اطلاعیه مان را آنجا پخش کنیم چون آنجا دیگر محوطه برگزار کنندگان این برنامه محسوب نمیشود. علیرغم این تلاشهای مذبحخانه ما اطلاعیه های افشاکرانه را پخش کردیم اما سؤال این است که چه کسانی بغیر از طرفدارن رژیم میتوانند اینچنین در مقابل پخش اطلاعیه های افشاکرانه علیه رژیم اسلامی و در حمایت از یک معلم زندانی که در راه انسانیت قدم برداشته است و در آستانه اعدام است بایستند.

بدنبال افشاکریهای تعدادی از هنرمندان آزادیخواه و احزاب سیاسی در مورد ماهیت این جشنواره و اهداف پلید و پنهان رژیم جمهوری اسلامی در برگزاری آن این پروژه حامیان رژیم با شکست مفتضحانه ای مواجه شد. برگزار کنندگان جشنواره "یکی بود یکی نبود" به کشاندن اکثریت ایرانیان مقیم تورنتو به این جشنواره دل خوش کرده بودند. در طی چهار روز برگزاری این خیمه شب بازی علیرغم تبلیغات و پول هنگفتی که برای کشاندن مردم به این برنامه صرف کرده بودند باز میان بیش از شصت هزار جمعیت

از روز پنجشنبه ۱۷ جولای تا یکشنبه ۲۰ جولای ۲۰۰۸ تحت رهبری تعدادی از طرفداران رژیم، دو خردادها، اکثریت و توده ایها جشنواره یکی بود یکی نبود برگزار گردید. این برنامه جهت حمایت و تطهیر چهره منفور رژیم در تورنتو کانادا برگزار گردید.

طی ۳۰ سال عمر حکومت جمهوری اسلامی تجربه ثابت کرده است که همیشه برگزاری فعالیت فرهنگی و هنری در جمهوری اسلامی ایران میبایست از کانال وزارت ارشاد و فرهنگ جمهوری اسلامی بگذرد. حال اگر در این فعالیت پای کشور دیگری در کار باشد و قرار باشد که این برنامه و فعالیت هنری و فرهنگی در خارج از ایران برگزار گردد، صد البته باید قریب به اتفاق شرکت کنندگان از داخل ایران مهرتائید خورده و از صافی وزارت ارشاد و فرهنگ جمهوری اسلامی رد شده باشند.

برخورد برگزار کنندگان این برنامه به فعالین انسان دوست و مخالف جمهوری اسلامی نشان میدهد که چه کسانی پشت این جشنواره بودند. برگزار کنندگان این برنامه وقتی با حضور فعالین سیاسی مخالف جمهوری اسلامی دربین شرکت کنندگان مواجه شدند، فعالینی که برای جمع اوری امضاء (پتیشن) برای جلوگیری از اعدام معلم در بند خزراد کمانگر تلاش میکردند سریعاً انتظامات را خبر کردند که مانع افشاکاری فعالین سیاسی علیه اعدام فرزند کمانگر شوند و آنها را از محوطه برگزاری جشنواره دور کنند. وقتی ما به مامورین انتظامات توضیح دادیم که اخیراً رژیم جمهوری اسلامی تعدادی را اعدام کرده و قصد اعدام فرزند کمانگر، معلمی انسان دوست و آزادیخواه را دارد و عکس فرزند را

تلویزیون کانال جدید مستقیماً و ۲۴ ساعته از طریق اینترنت قابل مشاهده است

راهنمای عمل:

www.glwiz.com

Register Now

Live TV
New Channel TV

روابط عمومی تلویزیون کانال جدید

۹ ژوئیه ۲۰۰۸ - ۱۹ تیر ۱۳۸۷

قسمت راست از بالا ریجستر را انتخاب کنید و یک ایمیل و پاسورد انتخاب کنید. ایمیل شما باید درست باشد

و پاسورد نیز نباید کمتر از ۶ کلمه باشد.

متأسفانه در ایران به دلیل پائین بودن سرعت اینترنت علاقمندان کانال جدید نمی‌توانند از طریق اینترنت برنامه ها را دنبال کنند.

آدرس اینترنتی کانال جدید را به دوستان و آشنایانتان خبر دهید.

برای وصل شدن به این شبکه به آدرس زیر مراجعه کنید، سپس در

کمونیستها بشنوند.

در ادامه پخش منظم و ۲۴ ساعته تلویزیون کانال جدید از طریق ماهواره هات برد، خوشحالیم به اطلاع عموم برسایم که این کانال در آمریکای شمالی و همه جای دنیا نیز از طریق اینترنت قابل مشاهده خواهد بود.

کانال جدید تلویزیون شما است، تلویزیون همه کسانی که آزادی، برابری و رفاه می‌خواهند، تلویزیون انسانهای آزادی که برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنند و همه کسانی که می‌خواهند راه سرنگونی حکومت ارتجاعی اسلامی را از زبان

صدای مردم در کانال جدید

چگونه از شر رژیم

خلاص شویم

برنامه ای از شهلا دانشفر

مردی جوان از ایران

خانم دانشفر، اولاً اگر مزدوران اطلاعاتی زنگ میزنند باید خیلی خوشحال باشید که وجود و صدای شما باعث اذیت و آزار اینها شده که نمیتوانند آرام و قرار بگیرند. دوماً برای اینکه چطور این رژیم را بزیر بکشیم و از شر خلاص شویم باید مردم فقط به هوای یک نفر بریزند توی خیابان و عکسهای او را در و دیوار شهرها بزنند و بدست بگیرند، مثل کاری که در مورد خمینی کردند، و ما باید از همین طریق پیروز شویم. یعنی باید همه مردم از یک شبکه و از یک لیدر پیروی کنند وگرنه این نمیشود که بخشی از مردم بروند توی خیابان و بگویند ما هستیم ولی از شبکه ها و از اشخاص دیگری پیروی کنند و بخش دیگری هم بروند و از کانال جدید و رهبر کانال جدید خط بگیرند، نمیشود که هر کسی به طریق خاص خودش شعار بدهد و فحش بدهد بلکه مردم باید بطور متحد دور یک شبکه جمع بشوند و از یک رهبر خط بگیرند. خیلی ممنونم و از برنامه خوبتان تشکر میکنم.

مردی میانسال از ایران

خانم دانشفر، خلاص شدن از شر اسلام و خلاص شدن از شر این رژیم در ایران خیلی مشکل است چونکه آخوندها به همه جوانب زندگی چنگ انداخته اند مگر اینکه کانال جدید یک نفر را معرفی بکند و اعلامیه ای بدهد و همه مردم در پیروی از او بیافتند جلو و بریزند توی خیابانها و راهپیمایی کنند و آتموقع اینها نمیتوانند کاری کنند و آتموقع مثل حکومت پهلوی قطعاً این اوضاع را هم عوض میکنیم وگرنه تغییر این رژیم کار خیلی مشکلی هست.

زنی از اروپا

با سلام به شما و خسته نباشید و ممنون از برنامه خیلی خیلی خوبتان. باور کنید این جنایتهایی که رژیم جمهوری اسلامی کرده اگر فقط یکی

میشوند تا ما نتوانیم به روی خط بیاییم. ولی ما مردم دست اینها را خوانده ایم و با جوابهای خودمان سر جاییشان مینشانانیم. اکنون ۹۰ درصد مردم روز شماری میکنند که این رژیم را سرنگون کنند. بیشتر حرفها را خوشبختانه شما در برنامه هایتان میگویند و بیشتر رهنمودها را میدهید ولی منم میخوام یک نکته ای را برای مردم و بخصوص برای جوانان در محلات بگویم. بنظم الان وقتش هست که زمانی که عوامل رژیم برای مزاحمت به زنان و دختران و مزاحمت به هرکسی از مردم جلو میایند ما باید دسته جمعی مجال ندیم و اینها را بزنییم. مثل جوانان فلسطین که همیشه با سنگ به توپ و تانک اسرائیلی ها حمله میکنند و ما هم باید همانجا اینها را بگیریم و بزنیمشان. الان وقت این حرکتهاست و فکر میکنم که کار سختی هم نیست و میشود اینکار را کرد. اینها کارگران را خیلی اذیت میکنند ولی خود کارگران هم باید بدانند که وقتی ۱۰۰۰ نفر ۲۰۰۰ نفر یکجا جمع میشوند حتماً میتوانند به اینها تعرض کنند و گوشمالیشان دهند و بریزند توی شهرها و مردم را هم با خود متحد کنند و در مقابل آنها نیروی قدرتمندی بسازند.

مهرنوش موسوی

پاسخ اینکه چگونه میشود از شر این رژیم خلاص شد یک پاسخ سیاسی و روشنی هست که مردم ایران تقریباً اینرا میدانند. اولین مسئله اینست که یک جریاناتی از درون رژیم دارند برای اصلاح این رژیم تلاش میکنند که مردم باید خودشان را از این جریانات اپوزیسیون جدا بکنند. اینها جریاناتی هستند که حتی زمانی هم که مقامات خود جمهوری اسلامی اعلام میکنند که توانایی پاسخگویی به مشکلات و توقعات مردم را ندارند اینها تازه راه می افتند که برای نیروهای انتظامی سمپاتی جلب بکنند. اینجا دیگر راه مردم از این نیروهای اپوزیسیون که ما به اینها میگوییم اپوزیسیون راست، و در واقع بخشی از اپوزیسیون راست جامعه هستند جدا میشود. مردم باید به نیرویی بپیوندند که معتقدند که کار مردم با این رژیم بجایی نمیرسد. این نیروهای اصلاح طلب و فرصت طلب بمدت ۸ سال برای این رژیم فرصت خریدند. راه

دیگری که مردم باید مواظب باشند اینست که حواسشان به پیامهای حزب کمونیست کارگری و همین کانال جدید باشد که بارها خودتان در همین برنامه های خوبتان گفته اید که بزیر کشیدن این رژیم از بالا مقدور نیست، چه با حمله نظامی و چه با انقلاب مخملی و بهیچ شیوه دیگری از این قبیل شدنی نیست، و این مردم و این حزب نمیگذارند و نگذاشته اند و امکان پذیر هم نیست. یعنی هر نوع راه حلی که باعث شود که دست مردم از این پروسه بزیر کشیدن نظام قطع شود و توسط این دو نیروی اپوزیسیون راست اصلاح طلب درون حکومتی و راست پرو غرب بیرون حکومتی جلوی مردم گذاشته میشود، مردم باید صفشان را از اینها جدا کنند و به حزب کمونیست کارگری بپیوندند که در این ۳۰ سال گذشته نه به نیروی آمریکا دل بسته بوده و نه به نیروی اصلاحات رژیم. در همین جامعه عراق و افغانستان که بعد قابل ملاحظه ای به فلاکت افتاده اند و بهترین نمونه کار آمریکا و همپیمانانش میباشد میبینیم که همین الان اعدام در عراق و سنگسار در افغانستان قانونی شده است. اما در مقابل اینها این تنها حزب کمونیست کارگری بوده که در این ۳۰ سال، تمام هم و غمش این بوده که فقط خود کارگران و خود مردم پایشان را جلو بگذارند و این نظام را پایین بکشند. البته مردم حق دارند که بگویند که بدون تشکیلات و بدون رهبری قادر به اینکار نیستند اما خوشبختانه هم رهبری هست و هم نیروی تشکل دهنده و سازماندهنده هست. جریانات دیگر اصلاً حزب درست نمیکند بلکه بلند شدند انجمن پادشاهی درست کرده اند و از کانال یک و کانالهای دیگرشان تبلیغش میکنند. مردم باید هشیار باشند و دور کانال جدید جمع شوند و به این حزب بپیوندند تا کار رژیم را بسرعت یکسر کنیم.

مردی از آبادان

من میخوام به جمهوری اسلامی بگویم که اینهمه پولهایی که به تروریستهای مختلف اسلامی میدهید یک کمی از این پولها را خرج مردم آبادان کنید و خرج تصفیه آب شیرین بکنید که آبادانیهایی که توی گرما از بی آبی رنج میرند مجبور نباشند که آب شیرین بخزند که حمام کنند و تشنان را بشورند و از این

پولها آن حداقل دستمزدی هم که خودتان برای کارگران تعیین کرده اید بپردازید. میخوام بگویم که اینها فکر نکنند که هر غلطی که خواستند میتوانند بکنند و مردم نمیدانند، اینها بدانند که مردم دیگر آماده بزیر کشیدنشان هستند. اجازه بدهید جوکی بگویم و کمی مردم را شاد کنم و وحشت سران رژیم را هم با همین جوکی که مردم ساخته اند بیشتر کنم تا بدانند که چه اوضاع باشکوهی در انتظارشان است. میگویند احمدی نژاد گفته که ما آمریکا را میگیریم، اسرائیل را میگیریم و همه جهان را میگیریم. یکی از دانشجویها بهش میگه که، آقای احمدی نژاد اگر دیش ماهواره تان را کمی به چپ بگردونید آنوقت میتونید کانال جدید را هم بگیرید.

مردی از ایران

خانم دانشفر، در ایران خشم و انزجار عمیقی از رژیم وجود دارد فقط باید این خشم و این مردم سازماندهی شود. همه طرفدار سرنگونی رژیمند منتها باید دست بدست هم بدهند و شما هم اینها را سازماندهی کنید. بنظم ما همه نوع رهبری دیده ایم، ما دیدیم و میبینیم که رهبری مثل آمریکا چه به روزگار مردم و جامعه عراق آورده، از رهبری تلویزیون کانال یک و خلیج فارسی ها هم خبر داریم که بعوض پاسخ به مشکلات و بدبختیهای مردم با چه چیزهایی میخوانند مردم را رهبری کنند. بنظم باید مردم بیایند و پای این کانال بنشینند و به حرفها و رهنمودهای این کانال گوش کنند و خط بگیرند و دور هم جمع شوند و متحد بشوند و بطور دسته جمعی ای رژیم را بیاندازیم.

مردی از ایران

بنظر من میشود این رژیم را هم مثل حکومت پهلوی به زباله دان تاریخ انداخت. ارتش شاه یک ارتش قوی بود ولی مردم آمدند به خیابان و کل رژیم را انداختند. این رژیم تا دندان مسلح جمهوری اسلامی هم در قبال اتحاد مردم مثل رژیم پهلوی رژیمی پوشالی خواهد بود و بزیر کشیده خواهد شد. من یک مثالی میزنم، زمانی که مردم شادی داشتند و بخاطر پیروزی فوتبال یک میلیون نیرو بخیابان میآمدند، پاسداران و نیروهای انتظامی جرات نمیکردند

از صفحه ۸ صدای مردم در کانال جدید...

چیزی بگویند، بنابراین اگر مردم بطور میلیونی بخیبان بریزند و تظاهرات عظیمی راه بیاندازند و خواستشان هم آزادی و برابری باشد این رژیم هم به زیاله دان تاریخ میپیوندد.

زن جوانی از ایران

موفق و موید باشید، ما آرزومندیم که برای سرنگونی این رژیم ننگین و خفت بار تلاش کنیم و همه ما جوانان و زنان و مردم دست در دست هم دهیم تا این رژیم ننگین را سرنگون کنیم.

مرد جوانی از ایران

خانم دانشفر اینک نیروهای اطلاعاتی زنگ میزنند و میایند روی خط نشان میدهند که رژیمشان بخطر افتاده و نشان میدهد که از رهبری این حزب شدت و اهمه دارند چونکه میبینند که این حزب و این کانال جدید است که مردم انتخابات کرده اند و میبینند که همین کانال است که مردم را متحد و رهبری میکند. اما گروهی از مردم هم محافظه کارند و هرچند که تصورشان اینست که تاریخ مصرف این رژیم تمام شده و آمریکا هم عرضه حمله نظامی و تغییر رژیم را ندارد، ولی متاسفانه این بخش مردم نمی آیند در تعیین سرنوشت خودشان نقش ایفا کنند و شرکت کنند، اگر این بخش مردم هم به بقیه میپیوستند آنوقت ما ۳۰ سال جنایات و بدبختی این رژیم را تحمل نمی کردیم. همه ما باید در میدان باشیم و برهبری شما برای سرنوشت خودمان کاری بکنیم.

مردی مسن از ایران

سلام و مخلص شما هستم، من جاوید هستم و البته من مثل آقای شهرام همایون نمیخواهم حرف از دمکراسی بزنم. ببینید خانم دانشفر، تا زمانی که اتحاد مردم نباشد، قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون میاید. اتفاقا من امروز در پارک بودم ۲۰ متر سوار آمده بودم و یک پسر و یک دختر دستگیر کرده بودند و با اهانت و زدن خیلی شدید میبردند. وقتی من اعتراض کردم خود منم مورد تحکم قرار گرفتم. حالا من پیام با این نیروهای سرکوبگر با دوستی و رفاقت رفتار بکنم. وقتی من آنجا ایستاده ام و فقط عمل

پلیس را نگاه میکنم و نظاره میکنم، و پلیس هم مدام میگوید متفرق شوید متفرق شوید، درواقع حتی از نگاه کردن ما میترسد وای به لحظه ای که ما هم متحد شویم و تعرض بکنیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد آزادی و برابری برنامه ای از اصغر کریمی جوانی از بلوچستان

آقای کریمی، آخه اینهم حکومت است که اینها آورده اند! حکومتی که بدست جوانان ایران ساخته بشه بهتر از اینها خواهد بود. در این منطقه کلا جوانان را معتاد کرده اند، اکثریت جوانان همه معتاد شده اند، نه کسی هست که بفکر اینها باشه، نه کاری و شغلی هست و نه زندگی هست، آخه ما دردمونم را به کی بگیم. شما که میگویید باید این حرفها را به مردم بگوییم و دور این کانال جمع شویم حرف شما صحیح است. حالا ما باید چه کار بکنیم که از دست این رژیم خلاص بشیم؟

جوانی از تبریز

مرگ بر جمهوری اسلامی چونکه حکومت اذیت و آزار است و نه حکومت جمهوری، کار این حکومت فقط و فقط اذیت و آزار است.

مرد جوانی از ایران

بنده محمود هستم و دو روز است که توسط استاد بزرگوارم خانم دانشفر به حزب پیوسته ام. اینهایی که میایند به حزب فحش میدهند اگر راست میگویند بیاید به آمریکا فحش بدهند که این جمهوری اسلامی را سر کار آورد و بیایند به خود این رژیم فحش بدهند که همه چیز را از مردم گرفت و بیچاره کرد. به آنهایی که سینه جلو میدهند که آقای احمدی نژاد طرح جدید اقتصادی آورده و اوضاع جامعه را بهتر خواهد کرد و بانکها را سروسامان خواهد داد و صادرات و واردات را کنترل خواهد

کرد، باید بگویم که رژیم از ترس شورش مردم و کارگرانی که از گرسنگی به خیابان آمده اند و با اتحاد خود و خانواده هایشان و مردم شهر تظاهرات کرده اند چنین تبلیغات و طرح جدیدی را براه انداخته اند. اگر ما بخواهیم نجات پیدا کنیم باید دور این حزب جمع شویم و متشکل شویم.

مردی جوان از تهران

مرگ بر جمهوری اسلامی و زنده باد آزادی و برابری. من کارگری هستم که در این چند سال به هیچ حق و حقوقی نرسیده ام. ما باید باهم متحد شویم و اتحادمان را حفظ کنیم.

محمد رضا پویا

با سلام به شما و خسته نباشید. این زنده باد آزادی و برابری برای مردم معنای عملی دارد و صرفا شعار نیست. زنده باد آزادی برای زنان یعنی اینکه دستگیری بعلت بد حجابی ممنوع، زنده باد برابری یعنی گرسنگی برای مردم ممنوع. زنده باد آزادی یعنی تساوی زن و مرد، یعنی دخالت مذهب در دولت و در آموزش و پرورش و در زندگی مردم ممنوع. زنده باد برابری یعنی مسکن برای همه. زنده باد آزادی یعنی اینکه حکومت مذهبی نمیخواهیم، یعنی سرنگونی رژیم، زنده باد آزادی یعنی برای تغییر این رژیم باید دور حزب کمونیست کارگری جمع شد و متشکل شد، زنده باد آزادی یعنی اینکه پیوستن به حزب و انتخاب حزب تنها راه به آزادی رسیدن واقعی مردم است، زنده باد برابری هم یعنی اینکه باید رفاه عمومی برای همگان باشد و همه از ثروت جامعه بتوانند به یک اندازه برخوردار شوند، زنده باد آزادی یعنی زندانی سیاسی ممنوع، یعنی وزارت اطلاعات باید منحل شود، زنده باد آزادی یعنی شکنجه در این کشور ممنوع، زنده باد برابری یعنی حق بیمه رایگان، بهداشت مجانی، تحصیل رایگان، ترانسپورت رایگان، زنده باد آزادی یعنی برچیدن بساط سپاه و بسیج و نیروهای انتظامی و ارتش و غیره، و یعنی اعتصاب و تشکل مردمی و کارگری آزاد و یعنی دستگیری و زندان برای اعتصابیون ممنوع. زنده باد برابری یعنی اینکه دزدیهای میلیاردری آیت الله ها ممنوع، یعنی ایجاد شرایط مساوی برای زندگی و خلاقیت مردم. زنده باد برابری یعنی تحقق رفاه و

سعادت جامعه. زنده باد آزادی یعنی چشم داشتن به آلترناتیوهای راست انواع اپوزیسیون که جامعه را ذره ای به پیش نخواهند برد ممنوع، و یعنی اینکه به امید اصلاحات و حمله نظامی و خلیج فارس و غیره بودن این بدبختی و این شرایط را همچنان پابرجا نگه خواهد داشت، زنده باد آزادی یعنی امروز روز انتخاب حزب و کانال جدید است، و زنده باد برابری یعنی مبارزه متحد و همبسته برای تحقق یک دنیای بهتر و خلاقیت و شادابی زندگی.

جوانی از خرم آباد

من ۳۰ سالم است، نه قبل از انقلاب و نه دهه بعد از انقلاب یادمه، بخدا من دو جلسه پای حرفهای شما نشستیم و واقعا حرفهای شما بدلم نشست، ما قشر ضعیفی هستیم و ما همه بچه های پایین شهریم. من از یک شهر بدبخت زنگ میزنم. من باخودم حساب میکنم میبینم که این مذهب و این دین بما چه داده اند! اگرهم چیزی داده باشند این جمهوری اسلامی همه را از ما گرفته است.

آقای کریمی نمیوانید که فقر با ما چه میکنه! فکر نکنید که داشتن یک ماهواره برای ما آسونه! لطفا پیامتان را برای بچه های پایین شهر بدهید، ما همه چیز مان را باختیم، همین اصطلاح بخدا قسم که سر زونمه دوست ندارم بزبان بیارم، میوانم که اگر اوضاع همینجوری پیش بره همین خدا را هم دو ماه دیگه از دست خواهیم داد و میاندازش کنار. خیلی از پدر و مادران ما هم مذهبنده اما بخدا قسم در این ۳۰ سال نه تنها ما هیچ جوانی نکردیم بلکه از همه چی زده شدیم. دیگه نمیوانم از این بدتر چی قراره سر ما بیاد. شما نمیوانید که وضع جاسوسی چطور، با هزار بدبختی مینشینیم توی خانه یکی از بچه ها تا به حرفهای شما گوش کنیم. شما اگر به بچه های پایین شهر حرفهایتان را برسانید موفق میشید. آنها که بالا نشینها هستند در رفاهند و میشنوند ولی عمل نمیکنند. ما ۱۵ نفریم، البته دروغ نباشه عین آمار ۱۳ نفریم، از حرفهای شما لذت میبریم، حالا نمیوانم چی به چی خواهد شد ولی حرفهای کانال جدید به دل ما مینشیند. بچه های پایین شهر از جانشان هم میگذرند و ما هیچ چی نداریم از دست بدهیم یعنی همه چیمان را باخته ایم. فقط میخواهم

بگویم که در حرفهای شما حقیقتی را میبینیم و به آن امید بسته ایم. بچه ها میگویند که امشب جمع نشویم چراکه اطلاعاتیها نیرو گذاشتند، اصلا جو اینجوریه و خفان عجیبیه! حرفهای قشنگ شما با منطق جور در میاد. تو این جامعه تا ما میخواهیم یک ذره نفس بکشیم مراسم عاشورا و بدبختیهای پشت سرش میاد، میگویند زندگیتان را خراب کردیم ولی در آن دنیا بهتان بهتر از اینرا میدهند! این حرفهای شما امید بخش است. ما پایین شهریها که جوانی نکردیم و همه چی را باخته ایم، که پدرمان هم همه چی را باخته اند و مادرمان هم باخته اند و کلا همه مردم همه چیزشان را باخته اند، با تلویزیون شما امید میگیریم. پدر من ۵۰ سال با مذهب زیسته و ۳۰ سال هم تبلیغات جمهوری اسلامی را بخوردش داده اند اما دو بار که پای برنامه شما نشست از اینرو به آترو شده و همه چی را گذاشته کنار. امیدوارم دست بدست شما کاری کنیم و زندگی بهتری بسازیم.

جوانی از بوکان

آقای کریمی، تا آخوند سر جایش باشد ما چی میخواهیم بدست بیاریم! همه چی ما را بغارت بردند، هرچی که در این مملکت بود چاییدند، باور کنید که مردم پولی ندارند که معاش و مدرسه بچه شان را تامین کنند. ما معتقدیم که باید اول سرمایه داری از بین برود و بعد بتوانیم آزادی و برابری بیآوریم. با آنها که نمیشود حرف زد، اینها یک وضع اسفبار و خفقانی ساخته اند که نمیشود تکان خورد، اگر تکان بخوری فوراً رفتی، و مردم هم که میترسند حمایت کنند.

جوانی از تبریز

من و خانواده ام تازگی با حزب کمونیست کارگری آشنا شده ایم و خیلی هم علاقه مندیم که برنامه های کانال جدید را ببینیم، بالطبع ما از سیاستهای جمهوری اسلامی متنفریم. آقای کریمی شما که با اعدام مخالفید لطفا بگویید که اگر در حکومت باشید با سران رژیم چه میکنید، آیا اعدام نمیکنید؟ ما تا آنجایی که مطالعه کرده ایم عقاید کمونیستی مخالف زندانی سیاسی و اعدام هست، خب آیا اینها را زندانی

از صفحه ۹ صدای مردم در کانال جدید ...

هم هم نخواهید کرد؟ با خسته نباشید به همه شما.

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد آزادی برابری برنامه ای از کیوان جاوید زنی جوان از ایران

میخواستم بگویم که آنهایی که زنگ میزنند و میگویند که با جمهوری اسلامی مشکلی ندارند از هیچ میلیونر شده اند و یکی از اینها فامیل خود ماست که یک موتور بیش نداشت ولی الان زمیندار بزرگی شده است. شاید یک گروه از این آدمها توی دستگاه رژیم نباشند ولی از انجایی که به امکانات میلیونی رسیده اند دیگر هیچ تحولی را نمیخواهند و اینها میخواهند که جمهوری اسلامی همینجور ادامه دهد تا هرچه مفتخور تر و میلیاردرتر بشوند. گروهی از کارفرمایانی که ۶ماه ۶ماه حقوق کارگر را نمیدهند از همین قماش میلیاردرها هستند و دارو دسته همینها هستند که میبایند و ادعا میکنند که هیچ مشکلی ندارند و میگویند که جمهوری اسلامی نظر اکثریت مردم است و اینها نظر گروه محدود خود را جای اکثریت قلب میکنند در صورتی که اکثریت واقعی جامعه برای استخدام به سختترین شغل جامعه باید مهر روی شناسنامه شان باشد و تازه خود اینهم هزار و یک مشکل برایشان میآورد، و البته این را هم میدانیم که برای همین رای اجباری هم یا ورق رای را سفید میاندازند و یا مینویسند مرگ بر جمهوری اسلامی... برابری یعنی اینکه ثروتی که در مملکت همه مردم در آن حق دارند بدون اینکه در چنگ مشتی مفتخور باشد بطور مساوی در اختیار رشد تمامی مردم باشد.

مردی از گرمان

من یک کارگرم، با برجی ۲۰۰ هزار تومان آنهم با این گرانی چه کار باید

بکنیم. مرگ بر جمهوری اسلامی. آزادی در جمهوری اسلامی یعنی اینکه کوچکترین اعتراض برای حقوقت مورد ضرب و شتم قرار میگیرد و از کار اخراج میشوی و روانه زندانت میکنند. برابری در جمهوری اسلامی هم یعنی اینکه بخش اعظم دستمزد زیر خط فقرت را برای مسکن میپردازی و با مابقی آن هم به هزار درد بی درمان دچار میشوی و تازه اگر آنرا هم چند ماه چند ماه عقب نیاندازند.

مردی از شمال

یک اقایی آمد گفت که از رژیم خیلی راضیم، منم آمده ام که جواب او را بدهم. اینها حرفهای یک آخوند مفتخور است که دارد مردم را میچاپد. اینها چه میفهمند که درد ما بیچارگان زحمتکش چیه! من ۵۱ سالمه و دارای پنج سرعائله هستم و هنوز هم دارم کار میکنم اما بدون اینکه بتوانم به کوچکترین خواستههای خانواده ام جواب دهم. آیا باید بروم دزدی کنم! آخه دزدی هم بلد نیستم، آیا باید زندگی نکنم! لطفا شما یک راه حلی برای من بگویید.

زن جوانی از ایران

آقا کیوان سلام عرض میکنم، شما و همکارانتان خیلی زحمت میکشید. من میخواهم جواب آن خانمی را بدهم که از شما بازجویی میکرد و میگفت کجایی هستید، اصلا شما یهودی هستید یا ارمنی هستید به کسی چه مربوط است، همین که اینقدر برای مردم زحمت میکشید برای ما باید مهم باشد. گروهی از آدمها مثل اینها که خانمهای همین پاسداران و همین بیشعورها هستند و مردم را اسیر و اجیر و گرسنه و تشنه نگه داشته و بدبخت کرده اند طبیعی است که ارزش کار شما را ندانند و بلکه از روی ترس و وحشت بیایند و اینطور وقت مردم را بگیرند و از رژیم دفاع کنند. ما زن و شوهری هستیم که همسرم مریض است و خودم هم با ماهی ۱۵۰ هزار تومان کار میکنم و ۱۲۰ هزار تومانم را برای مسکن یک اتاقه میدهم و ۳۰ هزار بقیه را هم باید با شوهری مریض دوتایی سر کنیم! اینها نفسشان از جای گرمی بلند میشه چراکه مال مردم خوردند و از رژیم تعریف میکنند، اینها از گروه بچاپ

بچاپ این جامعه اند. من از طرف آن خانم از شما معذرت میخواهم. من خودم مسلمانم اما به اینها اعتقاد ندارم.

مردی از ایران

میخواستم راجع به شعارتان بگویم که بهتر بود مینوشتید که مرگ بر جمهوری جنایتکار اسلامی. آخه اینها را باید با چنگیزها و هیتلرها و ترومنهای تاریخ مقایسه کرد که در جنایت حتی از آنها هم جلو زده اند. نکته دوم هم اینکه افرادی که زنگ میزنند و میگویند که آزادی هست دو دسته بیشتر نیستند اینها یا کسانی هستند که مفهوم آزادی را نمیدانند و یا از اطلاعاتیها و افراد وابسته به رژیمند که سران رژیم یک استخوانی هم میاندازند جلوی آنها و میایند اینجور واق واق میکنند و وقت تی وی شما و مردم را میگیرند در صورتی که خودشان اینهمه رسانه دارند و اینهمه هم هرروز دروغ بار مردم میکنند.

جوانی از ایران

من آمده ام جواب اینهایی که میایند و میگویند آزادی هست را بدهم. من نمیدانم که اینها باید چه رویی و دارای چه اندازه وقاحتی باشند که چنین ادعا کنند. تماس با شما برایم ساده نبوده ولی میبایست میامدم و بسهم خودم جواب اینها را میدادم. این رژیم به خویبهایشان و به دوم خردادیها آزادی ننموده و تمام روزنامه هایشان را میندود چه برسد اینکه برای مخالفین سرسخت خودشان بیاید آزادی بدهد! کو آزادی! اینها همگی پست ترین و کثیفترین افراد این حکومتند. مردم ایران خوب میدانند که کوچکترین صدای اعتراض را خفه میکنند و اگر هم بخاطر اتحاد مردم مثل کارگران هفت تپه نمیتوانند خفه کنند و شکست میخورند و عقب میکشند در عوض در پشت سر به انواع جنایتها دست میزنند تا مردم را مرعوب کنند. اخیرا قانونی را تصویب کرده اند که وبلاگ نویسی ها را هم آوردند گذاشتند در ردیف خلافکارها تا فردا برایشان حکم اعدام بتراشند. و اما بنظر من آزادی هر انسانی در اولین قدم اینست که بتواند حرف دلش را در هر شرایطی بزند و برابری هم یعنی اینکه تمامی جنایتهایی که در جامعه صورت میگیرد همه از فقر و فلاکت است، برای مثال آن کودکی که میسیند

اسباب بازی مورد علاقه اش را نمیتواند داشته باشد ولی در جلو چشم خودش کودک دیگری میتواند داشته باشد طبعاً دارای عقده میشود و این عقده های مختلف بمرور بجایی میرسند که فرد را دچار انواع مرض روحی روانی میکنند و بالاخره در نکته خاصی دست به هر خلافی میزنند. پس همه این نوع بدبختیها هم ریشه در فقر و فلاکت جامعه دارند بویژه در نظام جمهوری اسلامی که فشارهای وحشیانه و غیر قابل تحملی برای مردم تحمیل میشود.

زنی جوان از ایران

سلام کیوان عزیز، آمده ام جواب آن خانمی را بدهم که میگفت آزادی هست. آخه اگر آزادی هست پس چرا وقتی تابستان فرا میرسد تعداد پاسدارهای خیابانها زیاد میشوند و به بهانه روسری و آستین کوتاه و ماتنوی تنگ و رنگ لباس و غیره مردم و جوانان را تحت فشار قرار میدهند! آمار خودشان میگفت که در چند ماهه گذشته تعداد ۵۰۰ هزار الی ۶۰۰ هزار بدحجاب را بازداشت کرده اند و تعهد گرفته اند و تذکر داده اند! اگر آزادی هست پس چرا زنان بدون اجازه شهروانشان نمیتوانند پا از شهرشان آنطرفتر بگذارند و سفری بروند و در هتلی و مسافرخانه ای بمانند. اگر برابری هست پس چرا مادری که اینهمه رنج و زحمت برای بدنیا آوردن بچه میکشد حق سرپرستی نمی یابد. اگر آزادی هست پی اینهمه دستگیریها و جوانان و دانشجویان و مردم زندانی چیست! اگر برابری هست پس این بودجه مردم و ملکیت بکجا میروند که هرروز دسته جات حزب الله لبنان و فلسطین و غیره فربه تر و اکثریت مردم جامعه فقیرتر میشوند! ما چه سهمی از بهداشت رایگان و تحصیل رایگان و بیمه و مسکن میبریم اگر برابری هست! بچه ای که بدنیا میآید چرا نباید زیر پوشش دولت باشد و کمکی به والدین و خانواده ها شود تا در جامعه آزاد باشند و به خلاقیتهای مورد علاقه خود برسند و جامعه را جلو برند! و چرا پدر قسیم و سرپرست بچه حساب میشود اما کلا مادر همچنان پس معرکه میماند؟ به نظرم تنها دولتی که میتواند آزادی و برابری بیآورد جمهوری سوسیالیستی است که امکان فعالیت مساوی را به همه مردم فراهم میکند و نه مثل این رژیم که هرچه در میآورد برای کلفتی

جیبهایشان و سرکوب مردم بکار میندند و تبعیض جنسی را قوت میدهند. اساسا جمهوری اسلامی و آخوندها و آقا زاده ها با مفهوم آزادی و برابری همخوانی نمیتوانند داشته باشند. زنده باد جمهوری سوسیالیستی.

چگونه از شر جمهوری اسلامی خلاص شویم برنامه ای از کاظم نیکخواه

زن جوانی از ایران

بنظر من همه مردم باید بریزند توی خیابان بخاطر اینکه همه این امکانات را ندارند که از طریق ماهواره باهم ارتباط بگیرند و صدای هم را بشنوند، وقتی بریزند توی خیابان آنوقت همه میتوانند همدیگر را ببینند و بشنوند و از خواسته های همدیگر باخبر باشند. ۹۰ درصد مردم خواستشان اینست که جمهوری اسلامی برود، آن ۱۰ درصد بقیه هم خود آخوندها هستند و گله پاسدار و حزب الله و جیره بگیرانشان. وقتی مردم بیایند به خیابان و کتک بخورند، وقتی من ببینم که برادر و خواهر و همسایه من دارد کتک میخورد، وقتی ببینم که زنی مثل همین خانم که آمد گفت دارند خانه ام را خراب میکنند دارد کتک میخورد، و یا ببینم که کسانی که آمدند و جواب اطلاعاتی ها را دادند دارند کتک میخورند میرم جلو و دوشادوش آنها با نیروهای رژیم مقابله میکنم، وقتی مردم بریزند تو خیابان طبعاً همه ما که هم طبقه هستیم با همبستگی این رژیم را میاندازیم. متشکرم از شما آقای نیکخواه.

مهرنوش موسوی

من آمده ام که جواب این آقایی را بدهم که انجمن پادشاهی درست کرده اند و دوباره میخواهند مردم را دنبال پادشاهی بکشند که خود مردم از تختش انداختند. اینها آخه دیگه پادشاهی هم ندارند که بیآورند سر کار، خود پادشاهشان شاهزاده رضا میگوید من نمیدانم که شاهزاده باشم

گزارشاتی از اعتراض جهانی علیه اعدام های جمهوری اسلامی حکم اعدام فرزند کمانگر باید لغو شود!



کشورهای مختلف و بویژه در ایران هت‌پرتیراژترین روزنامه صبح سوئد عنوان سرمقاله خود در روز ۲۹ ژوئیه را چنین انتخاب کرده است: "هفته قرون وسطایی در ایران". این روزنامه از خطر اجرای احکام سنگسار پس از بزرگترین اعدام‌های دستجمعی در چند ساله اخیر خبر داد. این روزنامه نوشت: "دنیا باید حکومت ظلم و ستم را در ایران محکوم کند. هفته گذشته هشت زن و یک مرد با جرمی از قبیل تن فروشی و داشتن رابطه خارج از ازدواج به سنگسار محکوم شدند. تقسیم بندی بر اساس جنسیت قابل توجه است. زنان ایران غالباً نه استطاعت و نه امکان دفاع از خود را در مقایسه با مردان دارند. این احکام از طرف اتحادیه اروپا با شدیدترین لحنی محکوم شد."

مبادرت کرده اند. روزنامه داگنز نی هت‌پرتیراژترین روزنامه صبح سوئد عنوان سرمقاله خود در روز ۲۹ ژوئیه را چنین انتخاب کرده است: "هفته قرون وسطایی در ایران". این روزنامه از خطر اجرای احکام سنگسار پس از بزرگترین اعدام‌های دستجمعی در چند ساله اخیر خبر داد. این روزنامه نوشت: "دنیا باید حکومت ظلم و ستم را در ایران محکوم کند. هفته گذشته هشت زن و یک مرد با جرمی از قبیل تن فروشی و داشتن رابطه خارج از ازدواج به سنگسار محکوم شدند. تقسیم بندی بر اساس جنسیت قابل توجه است. زنان ایران غالباً نه استطاعت و نه امکان دفاع از خود را در مقایسه با مردان دارند. این احکام از طرف اتحادیه اروپا با شدیدترین لحنی محکوم شد."

سوئد - در پی تماس فعالین کمیته بین‌المللی علیه اعدام با احزاب و سازمانها و رسانه های مختلف، "کاله لارشون" عضو کمیته مرکزی حزب چپ و عضو پارلمان سوئد طی نامه ای که رونوشت آنرا برای محمد علی نیا (امیری)، فعال کمیته بین‌المللی علیه اعدام ارسال کرده است، اعتراض خود را به توحش جمهوری اسلامی اعلام نمود و صدور احکام اعدام از طرف این رژیم را محکوم کرد. متن نامه کله لارشون به شرح زیر است:

روزنامه داگنز نی هت‌پرتیراژترین روزنامه صبح سوئد عنوان سرمقاله خود در روز ۲۹ ژوئیه را چنین انتخاب کرده است: "هفته قرون وسطایی در ایران". این روزنامه از خطر اجرای احکام سنگسار پس از بزرگترین اعدام‌های دستجمعی در چند ساله اخیر خبر داد. این روزنامه نوشت: "دنیا باید حکومت ظلم و ستم را در ایران محکوم کند. هفته گذشته هشت زن و یک مرد با جرمی از قبیل تن فروشی و داشتن رابطه خارج از ازدواج به سنگسار محکوم شدند. تقسیم بندی بر اساس جنسیت قابل توجه است. زنان ایران غالباً نه استطاعت و نه امکان دفاع از خود را در مقایسه با مردان دارند. این احکام از طرف اتحادیه اروپا با شدیدترین لحنی محکوم شد."

"رژیم ایران در جهان با این شناخته شده است که مردم خود را مورد ستم قرار می دهد و بطور سیستماتیک مبنای حقوق بشر را زیر پا می گذارد. در طول سالها حزب چپ سوئد، همچون بسیاری دیگر احزاب، اعمال خشونت آمیز و ستمگرانه رژیم ایران را مورد انتقاد قرار داده و محکوم کرده است. اعدام های دستجمعی اخیر در ایران نمونه تراژیک دیگری از توحش این رژیم است. اشخاص زیادی به اعدام محکوم شده اند. در بسیاری موارد بدون اینکه یک دادرسی مناسب و عادلانه داشته باشند و بیشتر آنها فقط بخاطر فعالیتشان بر علیه رژیم و بخاطر مبارزه برای حقوق بشر در ایران. ما حزب چپ سوئد قویاً اعدام های دستجمعی در ایران را محکوم می کنیم و مصرانه از رژیم ایران می خواهیم که به اعمال وحشیانه خود بر علیه مردم خاتمه دهد."

روزنامه داگنز نی هت‌پرتیراژترین روزنامه صبح سوئد عنوان سرمقاله خود در روز ۲۹ ژوئیه را چنین انتخاب کرده است: "هفته قرون وسطایی در ایران". این روزنامه از خطر اجرای احکام سنگسار پس از بزرگترین اعدام‌های دستجمعی در چند ساله اخیر خبر داد. این روزنامه نوشت: "دنیا باید حکومت ظلم و ستم را در ایران محکوم کند. هفته گذشته هشت زن و یک مرد با جرمی از قبیل تن فروشی و داشتن رابطه خارج از ازدواج به سنگسار محکوم شدند. تقسیم بندی بر اساس جنسیت قابل توجه است. زنان ایران غالباً نه استطاعت و نه امکان دفاع از خود را در مقایسه با مردان دارند. این احکام از طرف اتحادیه اروپا با شدیدترین لحنی محکوم شد."

در همانحال بسیاری از رسانه های سوئد خبر اعدام های دستجمعی توسط جمهوری اسلامی را منتشر کرده و به درج مقالات انتقادی شدیدی علیه جمهوری اسلامی

در پاسخ به این درخواست ها اولف ساموئلسون مسئول بخش خاورمیانه و آفریقای وزارت امور خارجه سوئد در نامه ای به ممد علی نیا اظهار داشت که بیشترین تلاش خود را بکار می برند تا ایران را وادار به احترام گذاشتن به حقوق بشر و مصوبات سازمان ملل نمایند. اولف ساموئلسون با ضمیمه کردن بیانیه اتحادیه اروپا به نامه خود در مورد اعدام ۲۹ نفر در روز ۲۷ ژوئیه، حمایت خود را از این بیانیه اعلام کرد. وی در پایان خواستار ادامه تماس در زمینه دریافت اطلاعات بیشتر در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران و همچنین موارد ویژه نقض حقوق بشر شد. همچنین در چند روز گذشته کادر های حزب کمونیست کارگری ایران در تماس با رسانه ها و احزاب مختلف، اخبار جنایات رژیم اسلامی و صدور احکام اعدام و سنگسار را وسیعاً مطرح نموده و خواستار محکوم کردن جمهوری اسلامی شدند.



در باره این کمپین و ضرورت گسترش این کمپین در سطح جامعه و اتحادیه های کارگری، همچنین در خصوص ضرورت انزوای سیاسی جمهوری اسلامی در دنیا صحبت کرد. نمایندگان اتحادیه راه آهن از این کمپین استقبال کرده و اقداماتی را در دستور کار خود گذاشتند. در نخستین اقدام، آقای یاماموتو دبیر اتحادیه راه آهن فوراً موضوع کمپین فرزند کمانگر را به اتحادیه

فشار هر چه بیشتر دولت های اروپائی به جمهوری اسلامی تاکید کرد... در پی این ملاقات تماس با وزارت امور خارجه از طریق ممد علی نیا (امیری)، فعال کمیته بین‌المللی علیه اعدام دامه پیدا کرد. کمیته بین‌المللی علیه اعدام در این تماس ها به ادامه و افزایش اجرای احکام اعدام هشدار داد و خواستار محکومیت جمهوری اسلامی و پایان دادن به اعدام ها توسط این رژیم شد. در این تماس ها بر خواست آزادی فرزند کمانگر تاکید گردید.

فشار هر چه بیشتر دولت های اروپائی به جمهوری اسلامی تاکید کرد... در پی این ملاقات تماس با وزارت امور خارجه از طریق ممد علی نیا (امیری)، فعال کمیته بین‌المللی علیه اعدام دامه پیدا کرد. کمیته بین‌المللی علیه اعدام در این تماس ها به ادامه و افزایش اجرای احکام اعدام هشدار داد و خواستار محکومیت جمهوری اسلامی و پایان دادن به اعدام ها توسط این رژیم شد. در این تماس ها بر خواست آزادی فرزند کمانگر تاکید گردید.

از صفحه ۱۱ گزارشاتی از اعتراض ...

یوتی.آر.آل.ا. در آمریکا و خانم اینووه ارسال کرد که گزارش و خبر کمپین وسیعا در سایتهایشان منعکس شد.

آلمان - فرانکفورت - طی روزهای ۲۴ تا ۲۶ ژوئیه فعالین کمیته بین المللی علیه اعدام در مرکز شهر فرانکفورت در اعتراض به موج اعدامها در ایران يك ميز اطلاع رسانی و برنامه ای افشاگرانه سه روز برپا شد در این همایش اعتراضی به حکم اعدام فرزاد کمانگر و همه اعدامها در ایران اعتراض شد و فعالین کمیته بین المللی علیه اعدام با مردم علاقمند و مشتاق به بحث و گفتگو پرداختند.

در طول سه روز متوالی، صدها

نفر از این ميز اطلاعاتی رسانی دیدار کردند و از اوضاع ایران، وحشیگریهای جمهوری اسلامی، مبارزات مردم بر علیه این رژیم ددمنش آگاهی پیدا کردند تعداد زیادی از ایرانیان مقیم فرانکفورت در این حرکت اعتراضی حضور داشته و نفرت و انزجار خود از جمهوری اسلامی ایران و احکام فزاینده اعدام در ایران را اعلام میکردند.

اخبار و گزارشات مربوط به جنایات جمهوری اسلامی و بویژه اخبار اعدام و سنگسارهای اخیر در ایران، با چنان خشم و انزجاری در میان بازدیدکنندگان از این غرفه اطلاعاتی مواجه می شد، و بارها مردم حاضر در محل اشک می

ریختند و با خانواده های اعدام شدگان و یا محکومین به اعدام ابراز همدردی میکردند.

سوئیس - زوریخ - روز شنبه ۱۹ ژوئیه ۲۰۰۸ به ابتکار فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد سوئیس در مرکز شهر زوریخ يك تجمع اعتراضی برگزار گردید. فعالین فدراسیون در این تجمع، نمایشگاه عکسی از آثار جنایات جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشتند. عکسهای فرزاد کمانگر معلم محکوم به اعدام در این نمایشگاه یکبار دیگر توجه ها را به ایران و قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی معطوف کرد. در طول مدت برگزاری این تجمع، فعالین و برگزار کنندگان این

آکسیون با عابرین و بازدید کنندگان گفتگو و از حکم اعدام فرزاد کمانگر و اختناق سیاسی در ایران صحبت میکردند و به آنها اطلاعات می دادند.

تعدادی از فعالین فدراسیون همزمان با دائر کردن این نمایشگاه به پخش تراکت و اطلاعیه در میان مردم پرداختند. در این اطلاعیه ها از مردم خواسته شده بود جمهوری اسلامی را بدلیل صادر کردن حکم اعدام فرزاد کمانگر محکوم نمایند. در این تجمع که اساسا علیه اعدام در ایران بویژه حکم اعدام فرزاد کمانگر صورت گرفته بود طوماری که علیه حکم اعدام وی تهیه شده بود به امضای عابرین و بازدید کنندگان رسیده و مردم با امضای این طومار تنفر عمیق خود را علیه جنایات جمهوری اسلامی ابراز

میداشتند. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران کمپین علیه اعدام فرزاد کمانگر، و موج وسیع آدمکشی های دولتی را در اشکال مختلف و بطور وسیع و گسترده در کشورهای مختلف به پیش برده و تلاش میکند با جلب حمایتهای بین المللی صف وسیعی از مردم آزادیخواه و انساندوست دنیا را در مقابل جمهوری اسلامی و جنایتهايش به میدان آورد.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ ژوئیه ۲۰۰۸

از صفحه ۱۱ صدای مردم در کانال جدید ...

یا نباشم. بابا دست بردارید از سر این مردم، خودتان چندین رسانه دارید اجازه بدید يك رسانه هم در اختیار مردم باشد تا مثل همین خانمی که آمد حرفهایش را زد مردم بیایند حرفشان را بزنند. قای نیکخواه این اطلاعاتی ها هم که میایند میگیرند مردم طرفدار حکومتند، اگر طرفدار حکومتند پس چرا دیگر نگرانید! چرا هی میباید خط را اشغال میکنید! اگر مردم طرفدار جمهوری اسلامیند پس دیگر چرا همچنان اوباش حزب الله در خیابان راه انداخته اید. اگر مردم طرفدار رژیمند پس چرا با کوچکترین جوشش در دانشگاه، شماها از داخل و از بیرون دانشگاه حکومت نظامی درست میکنید! برای اینکه خوب میدانید که مردم شما را نمیخواهند و عزم کرده اند که شما را بزیر بکشند. بابا خود رفسنجانی گفته که حکومت پایه اش را از دست داده و

مردم از رژیم روی برگردانده اند. این حزب نماینده اکثریت مردم ایران است، نماینده همان زنانی است که ۳۰ سال است تلاش میکنید به انواع مختلف سیاست حجاب و بدحجابی تان را بخوردشان دهید اما همچنان حریفشان نمیشوید. این حزب نماینده کارگر هفت تپه است که میبینید چطور متحد و یکپارچه با خانواده هایشان بخوابان میایند و تشکل خودشان را تحمیلتان میکنند و حراست را از کارخانه بیرون میکنند. این حزب نماینده جوانانی است که در آریاشهر صدای (حکومت اسلامی نمیخواهیم نمیخواهیم) اش را بلند بلند شنیدید. اگر در ۱۸ تیر مردم نیامدند به خیابان بخاطر این بود که برای هر يك نفر دو پاسدار و نیروی انتظامی ریخته اید، اگر راست میگویید که مردم با رژیم شما هستند این

نیرو ها را از خیابانها و شهرها فقط یکساعت جمع کنید آنوقت ببینید که مردمی که طرفدار شمایند چگونه یکپارچه و متحد بساطتان را جمع میکنند. مردم باید دور این حزب خودشان جمع شوند و با رهبری ای که ۳۰ سال تمام با رژیم مبارزه کرده کار رژیم جمهوری اسلامی را یکسره کنند.

مردی از ایران

آقای نیکخواه، شما دارید فقط از کارگران صحبت میکنید پس تکلیف اینهمه بیکار که خانواده دارند و خانه هم ندارند و با انواع بدبختی و زحمت دارند امرار معاش میکنند و میخواهند آبرو داری کنند چی میشه! در باره اینها چی میخواهید بگویید! کارگر که دارد کارش را میکند حالا ده روز یکماه دیر حقوقش را میدهند و امرار معاشش را میکنند، اما در مورد من و امثال من که با این وضعیت اقتصاد ایران ۶ ماه است

که بیکاری میکشم تکلیف چیه! چه فکری برای من میکنید! کی باید به عمر این رژیم خاتمه بدیم. ممنون میشم اگر توضیحی بدهید.

مردی از ایران

عزیز من، قربان چشمت برم، این کارگرانی که زنگ میزنند و از دردهاشون میگویند لابد اینها توی يك شركتی کار میکنند، بیمه ای چیزی دارند ولی من که توی خیابان هستم يك روز میرم سر کار دو روز بارون است و سه روز برف است و چهار روز گرم است يك فکری هم بحال ما بکنید، ما هم این رژیم را نمیخواهیم اما فکر نکنم که به این راحتی بتونیم از شر اینها خلاص بشیم. با تشکر و خسته نباشید بشما.

مردی از استان اصفهان

مردم با بدبختی و دریدری زندگی میکنند، تا کی باید مردم این گرانی و بدبختی را تحمل کنند، مرگ بر جمهوری اسلامی، خیلی

ممنون خدا حافظ.

مردی از ایران

اینها همه مملکت را چاپیدند و پولی دست مردم نمانده، مردم با دست خالی نمیتوند کاری بکنند، برای اتحاد مردم نیاز به يك سرمایه است، نیاز به يك تشکلی هست، نیاز به يك رهبری هست، نیاز به کسی هست که بلد باشد چکار کند و چگونه مردم را راهنمایی کند، مردم ما آگاهی کافی ندارند و وقتش را هم نداشته اند که دنبال کتاب و مطالعه بروند و برای همینهم بوده که این آخوندها هر سو استفاده ای را از بیسوادای دین و مذهب این مردم کرده اند، يك رهبری لازم است که به مردم این آگاهی را بدهد و راهنماییشان بکند.*

این مطلب را ناصر احمدی پیاده و تایپ کرده است.

سایت حزب: www.wpiran.org
سایت روزنه: www.rowzane.com
نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com
سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن اختیار
به انسان است.

مسئول صفحه بندی انترناسیونال: آرش ناصری

یک دنیای بهتر
برنامه حزب
را بخوانید
و در سطح وسیع
توزیع کنید